



نظاهرات ۵۰ هزار نفری در استادایوم آزادی

در صفحه ۶

نظاهرات گسترده زنان بندرانزلی

در طی چند ماه اخیر حرکت های اعتراضی وسیعی را در سطح کشور دیده ایم. هر علت کوچکی در آنست که مدتی به نظاهرات گسترده ای تبدیل شده است. مردم به جان آمده مترصدند تا به هر بهانه ای خشم گسیخته خویش را قریباً دزنند. نظاهرات مردمانزلی در خردها دما گذشته نیز در این چهار رچوب مسورت گرفت. مسئله زانجا آغا زنده که شخصی بنام "سیاوش" مدیر شرکت "پرسی گاز" علام نمود که مشترکین، کپسول خالی گاز را به شرکت تحویل دهند تا شرکت

بقیه در صفحه ۷

پذیرش آتش بس به خیال جلوگیری از انقلاب

علماء آنگونه که رفسنجانی درهما نروز ۲۷ تیردر ر مباحبه خود اعلام کرد، نشستند و چنین تصمیمی گرفتند و همه این وتلپ ها، های وهوی ها وآیات و احادیث مربوطه را به یک ضرب به آتش لدونی روانه کردند. "سردار اسلام" و جانشین فرمانده کل قوا در مباحبه خود گفت بعد از جمع بندی از وضع جبهه ها و گزارش آن به امام و در یافت پیام امام، در جلسه ای از سران حکومت برای آنکه از حوادث ناگوار برای انقلاب و مملکت (!) جلوگیری شود چنین تصمیمی را گرفتند. و در همین بیان که معلوماً از استیمال و عجز ناتوانی بود، بصراحت و روشنی آنچه را که دیگر قابل پنهان کردن نبود و خود مدتهاست از پرده پنهان افتاده، به زبان آورد، یعنی شکست در جنگ و ترس از طوفان انقلاب و تلاش حکومت!

بی شک آنان با این تصمیم خود به این قانون که شکست در جنگ زمینه بروز انقلاب را فراهم می آورد کردن نهادند. اگر چه عوامل فراوان دیگری هم در کار بوده اند. مثلاً "گاری سیک"، متخصص امور ایران در شورای امنیت سابق آمریکا، فردای این تصمیم گفت که تماس غیر مستقیم بین آمریکا، شیبا و فقها

بقیه در صفحه ۲

● پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب فقها جز پذیرش شکست و تسلیم در جبهه ها و تلاش برای مقابله با طوفان انقلاب نیست.

روز ۲۷ تیرماه حکومت اسلامی بدون هیچ مقدمه ساید رسمی علنی، از طریق خبرگزاری کشور اعلام نمود که قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را که یکسال از زمان صدور آن می گذرد پذیرفته است. در همان روزها منهای پیامی برای دبیرکل ملل متحد ارسال داشته و موافقت حکومت خود را اعلام نمود و بدین ترتیب فقها خواستار اجرای قطعنامه شدند. هنوز مرکز مباحبه حکم خمینی در انتصاب رفسنجانی به جان نشینی فرماندهی کل قوا جهت به پیروزی رساندن جنگ در جبهه در مدت شش ماه خشک شده است. هنوز دو هفته از روز ۱۴ تیر که خمینی در پاسخ پیام منتظسری بمناسبت ساقت شدن هوا پیامی مسافربری گفته بود جنگ آنها جنگ مکتب آنهاست علیه تمام مظلوم و جوورونه سلاج می شناسند و محمود در مرز و بوم است و این جنگ خانه و کاشانه و شکست تلخی و کمبود و فقر و گرسنگی نمی داند، نگذشته بود اعجاب! آنچه شده گفتار پیرمست جماران و همه آقایان و حضرات

جشنهای بزرگداشت

۴ تیر روز بنیانگذاری سازمان

در صفحه ۳

به سوی

برپا نشی سمینار پنجم کانونهای

پناهندگی در آلمان فدرال

هما نظور که در پیاپی کارگر شما ره پیش گزارش داده شد، تعدادی از کانونهای پناهندگی پیرو دیدگاه و سکتاریستی در چهار زمین سمینار سراسری کانونها در شهرها مבורگ به انشعاب خود قطع نیست بخشیدند. برای کسی که سیر تحولات این سمینارها را دنبال کرده باشد انشعاب مذکور غیر مترقبه نیست. تقابل دوگرایش اصلی، یعنی گرایش اصولی و گرایش سکتاریستی از همان نخستین سمینار در شهرها نظور

بقیه در صفحه ۷

گفتگوی با

رضا علامه زاده

در صفحه ۱

سخنی درباره

تشکل های دموکراتیک

در صفحه ۱۱

زندگی و مبارزات پناهندگان

کراچی

● UN کراچی تنبیه می کند!

سوئد

● اعتماب غذا در اعتراض به حکم اخراج

آلمان فدرال

● حمله فاشیستها به اقامتگاه پناهندگان

● اخراج یک پناهنده غناشی

● فشار بر پناهندگان شدت بیشتری

می یابد!

● قاتل پناهنده ایرانی به ۱۸ ماه حبس

تعلیقی محکوم شد!

● خودکشی دو پناهنده جوان ایرانی

در آلمان فدرال

در صفحه ۱۶

پذیرش آتش بس...

سوراخی دیگر

درکشتی روحانیون

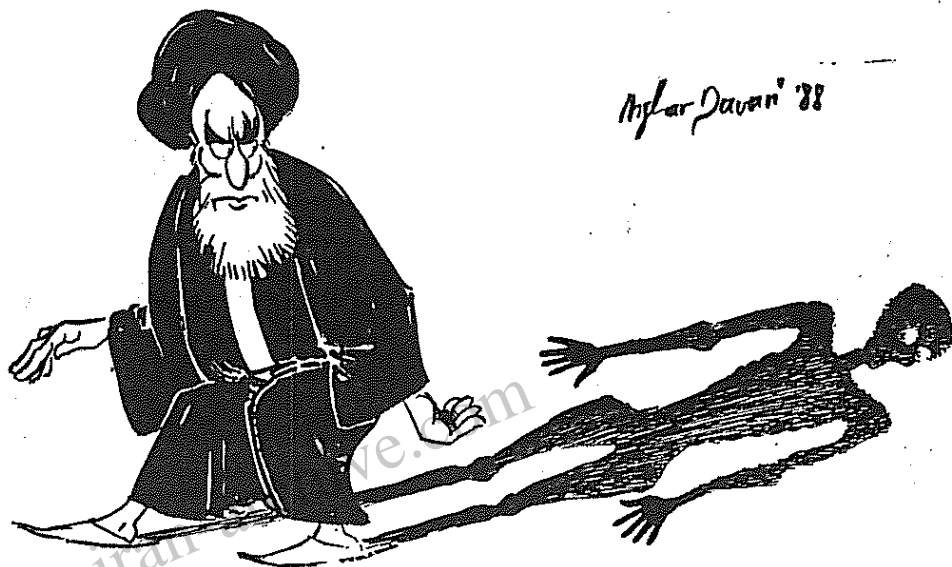
چند ماه پس از اشغال و در دوران «جا معسه» روحانیت مبارز تهران «مطبوعات ایران» از اشغال بی دیگر در دوران روحانیون خبر دادند. این تفاوت که این بار با اشغال قبله‌ها روحانیت شروع شده است، نشان می‌دهد که نام «روحانیون» مبنای رزم «علامیه» ما در کرده‌اند، همانطور که نشان می‌دهد «روحانیون» جدا از «روحانیون» مبارز تهران «ویا کپی» و «آمان» در قلمی توانمند باشد. زمره‌ها و آغاز از علام اشغال با از ۱۵ خرداد دوازدهم که قرار بود با همین عنوان در مدرسه فیضیه قسم برپا شود شروع و طی چند روز در مطبوعات و مجلس علنی گشت. «نظور که از اخبار منتشر شده برمی آید کویا عده‌ای از روحانیون برای ۱۵ خرداد قصد اجرای مراسم را در مدرسه فیضیه میگیرند، شورای مدیریت حوزه «شورای مدیریت حوزه عبارت از ۳ نماینده کلیه یگان‌ها و ۳ نماینده جامعه مدرسین است» و «جامعه مدرسین» با اجرای آن در فیضیه به مخالفت برمی‌خیزند. آذری قمی از مسئولین «جامعه مدرسین» علت را در این اعلام داشت که چون «برگزرا رکنندگان مراسم قصد تخریب داشتند و قصد حمله به جامعه مدرسین و شورای مدیریت حوزه را... در نتیجه از اجرای مراسم به آنان داده نشد.

در مجلس ابتدا خلغالی ضمن کنایه‌های به جوابگویی برآمد و گفت: اینها «نامه‌های نامرتب»... که مزین به فحش بوده... به خدمت ما م نوشته و بعضی‌ها در حوزه علمیه و مدرسه فیضیه اعتراض کردند... البته منظور از نامه، نامه‌ای است که چندی پیش شایعه شده بود جامعه مدرسین «برای خمینی جهت پایان دادن به «جنگ» نوشته است.

متعاقب حرف‌های خلغالی، چند روز بعد علی موحدی، ساجی لب به سخن گشود و گفت «ما در پشت جبهه متأسفانه شاهد حرکت‌های تفرقه افکنانه ای هستیم... با اینکه ما م عملاً قول نشان داده‌و تا کید کرده‌اند که افراد از این حرکات دست بردارند، اما آن‌ها میان روحانیون، مدرسین، طلاب، دانشجویان، نمایندگان ووزراء و در میان همه اقشار جامعه سعی در تفرقه اندازی دارند».

بدنبال این درگیری‌ها خا منهای طی یک سخنرانی در قلم اعلام کرد که این کارها «به ما ضربه خواهد زد»، بعضی‌ها با این کارها «بین این موقوف متحدشکاف ایجاد می‌کنند» و «تلاش مغلغانه جمعی را برپا می‌دهند و کشتی شی را که همه بر آن سوارند خودخواهانه و خودبینانه سوراخ می‌کنند». بهرحال این اشغال به هر چه باشد نشانگر آغاز درگیری علنی تری است که اینبار سرمداران روحانیون ویا بعضی‌ها را و دیگر فقها را وارد میدان کرده است. شکی نیست که بدنبال این دو اشغال با پیدایش اشغال‌های دیگر و اشغال‌های دیگر منتظر بود.

و فریب داده شده با یک واقعیت و ضربه منگ کنند و روبرو شده است. ضربه‌ای که معنی اشهادت طلبی و نشان و آب فراوانی را که بعلمت گوشت دم توپ شدن نمیشناسد، میگرداند، زسرها پیراند، آنها کاغذ پویشی خود را به یکباره فروریخته دیدند. حال دیگر «حزب» الله رزمنده و شهادت طلب چگونه می‌تواند تبعسوان چوب زیر بغل فقها در ما نورهایش و بعنوان قلعه...



کوب علیه مردم و دشمنانش بکار آید؟ همین روحیه و وضعیت حزب الله در ارگان‌های رژیم منعکس است. و خصوصاً «خط امامی» و تندروها که مجلس را هم قیقه کرده و برای پیشگیری از صلح و سازش در تاریخ ۱۴ تیرماه طرح استراتژی جنگ مبنی بر ادا جنگ تا پیروزی کامل را از تصویب گذرانند، بسیار بیشتر از اینها ضرب خورده‌اند. و آنها تنها آنقدر ضعیف نیستند که برای حتی سرشان را بتوان زیر آب کرد، بلکه ترکنازی خود را آغاز خواهند کرد و شکاف و شقه شدن حکومت را شدت میدهند. و در این میان همه می‌حکومت و عناصر مسلط واقع بینان بهیاری امپریالیسم و گشایش از جانب آنها خواهد بود. تا با سازمانی و فنی و سیاسی و غیره بیکر لرزان خود را سرپا نگاهدارند. واقعیت آنست که اگر چه پذیرش تحمیلی صلح از جانب رژیم برای مقابله با پیشروی بحران بود اما مجموعه شرایط نشانگر آنست که آنها اهرم قوی برای مقابله با انقلاب را در داخل جامعه نمی‌توانند دست آورند و همه چیز حکایت از گسترش امواج بحران دارد. و راز شتاب فقها در این تصمیم خود در سرعت پیشروی بحران و طوفان در مملکت قرار دارد.

طوفان انقلاب دیدند، و تکیه نمی‌کنند که اگر دیگر بجنبند تا ج حکومتی و گردن خود را از دست خواهند داد، بزان نوشتند تا با سرسقوط نکنند! و این در حقیقت چیزی جز پیروزی برای مردم صلح طلب ایران و جنبش ضد جنگ که علیه رژیم اسلامی و جنگ آن مبارزه کرده‌اند نبود. همان مردمی که یک هفته قبل از این تصمیم تظاهرات وسیعی در رباط کریم تهران علیه جنگ بپا کردند.

فقها با خیال از سرگذراندن طوفان به چنین تصمیمی رسیدند اما آیا جهان بیرون مراد آنها خواهد چرخید. بی شک نه! اما چرا نه. چون مردمی که هشت سال علیه جنگ بوده و در برابر فرسایش انقلاب حاکم قرار گرفته‌اند، حالا با شکست حکومت و تسلیم آنها به صلح تحمیلی نه تنها باز نخواهند ایستاد بلکه «زیاده طلب» تر خواهند شد. آنها پوشالی بودن موقعیت حکومت را تجربه کرده و قدرت خود را هم با زیانته و نیروی خود را مقتدرتر می‌کنند. اکنون زمان حساب پس دادن و همچنین زیر سوال رفتن حکومت حتی بر سرخواست و مطالبه جزئی است.

از سوی دیگر با همه حاکمیتی فقها یعنی است حزب الله، که هشت سال بر محور جنگ سازماندهی

جشنهای بزرگداشت تاثیر

روز بنیانگذاری سازمان



وین اتریش

وین - اتریش:

جشن چهارم تیر سالگرد تأسیس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در وین نیز با شرکت جمعی از دوستان و هواداران سازمان و هواداران نیروهای سیاسی دیگر ایرانی برگزار گردید. در این مراسم گروه موسیقی چکا وک مرکب از سه نفر خواننده و نوازنده، مترقی ایرانی، گروه رقص حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) برنا مهاجرا کردند. یک پیشمرگه زن از رهبری (انقلابی) در رابطه با وضعیت پیشمرگان در کردستان صحبت کرد و مقام‌های تحت عنوان "وضعیت طبقه کارگر و مواضع ما" قرائت شد. همچنین شعری از افراشته‌ها عرا انقلابی دوره رضاخانی به زبان گیلکی خوانده شده و برنا مهاجرا خوانی دیگری تحت عنوان "بیا دمبا زمین راه آزادی و سوسیالیسم" اجرا گردید. در این مراسم پیمایهای تبریک و فکاهی هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (شورای عالی)، هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) و هواداران سازمان آزادی کارگران ایران (فدائی) خوانده شد.

کپنهاگ دانمارک

نهمین سالگرد سازمان بتا ریخ ۸۸/۷/۲ در شهر کپنهاگ با شرکت گروهی از هموطنانمان جشن گرفته شد. در این برنا مهاجرا بعد از خوش آمدگویی به حضار و یک دقیقه کف زدن به بزرگداشت شهیدان راه آزادی و سوسیالیسم و قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان، رفیق حسن حسام سخنانی پیرامون معرفی سازمان، وضعیت بحرانی جامعه ایران و وظایف کمیونیتها ایراد کرد. سپس نوبت به برنا مهاجرا هنری رسید که با موسیقی فارسی، آذری و موسیقی کردی توسط گروه لاک، همراه بود. در انتها نیز سرود انترناسیونال برنا مهاجرا به پایان برد.

برنا مهاجرا هنرمند چیره دست و انقلابی خلق کرد. خواننده‌ها ترانه‌های خود را با یک میسدا ن شور مبدل کرد. سالن یکبارچه به جنبش درآمد، و جمعیت زیادی با رقص کردی به پای یکویی پرداخت. و هنگامیکه شعر "کینه" خوانده می‌شد، نیوه‌ها فران با قلبهای پر از کینه با بر زمین می‌کوبیدند. گوئی بر لاشه رژیم جمهوری اسلامی می‌کوبند، و از مرگ آن ملامت شاد میشوند. در چنین فضائی برنا مهاجرا به بخش پایانی خود، سرود انترناسیونال رسید. و جمعیت با مشت‌های گره کرده، به سوی آسمان، عزم را سخ خود را بر علیه جهل، ستم و استعمار و برای آزادی و سوسیالیسم تماشایش داد و محل جشن را ترک گفت.

سوئد

در تاریخ یکشنبه ۳ بولی، جشنی به مناسبت نهمین سالگرد تأسیس سازمان در استکهلم برگزار گردید.

این برنا مهاجرا یک دقیقه کف زدن آغاز شد و سپس قسمتهای بعدی برنا مهاجرا شامل: سخنرانی رفیق حسن حسام، سرود، موسیقی و آواز ایرانی، رقص گیلکی، تک نوازی پیانو، رقص قشقایسی، موسیقی کردی، تئاتر، میان برده، موسیقی و آواز ترکی، نمایش اسلاید و شعرخوانی بود. آغاسا ز کردید.

در این برنا مهاجرا همچنین پیام ۱۵ سازمان به کمیته مرکزی قرائت گردید و در انتها نیز سرود انترناسیونال بطور دسته جمعی خوانده شد.

مراسم گرامیداشت چهار رتیر، امسال، در خارج از کشور شکوه دیگری داشت. استقبال گسترده ایرانیان، دوستان و دوستان سازمان از این مراسم اعلام همبستگی رزمجویان نه انبوهی از هم میهنان ما بود که خود را با مبارزات سازمان ما در راه آزادی و سوسیالیسم نزدیک می‌بینند. بی تردید این هم پیوندی برای همراهان کارگری ها و نیروهای طرفدار سوسیالیسم فرورنگیز است. باشد شما همگام با طبقه کارگر، در صفی فشرده تر، بنیاد استقامت و اتحاد را برای فکند و جشن رها نشی انسانها را در سرودی میلیونی سردهیم.

کلن آلمان فدرال

روز چهار رتیر، در دانشگاه شهر کلن میعادگاه مسرت بخش نزدیک به هزار تن از هموطنان ما بود. سالن برنا مهاجرا، با عکسهای رهبران پرولتاریائی جهان، مارکس، انگلس، لنین و شعراهای سازمان و تابلوهائی از عکسهای شهدای سازمان آذین شده بود. مراسم در ساعت ۶ بعد از ظهر، با اعلام برنا مهاجرا یک دقیقه کف زدن به افتخار جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز گردید و در ساعت ۱۲ نیمه شب در فضائی از شور و وطنین قدرتمند سرود انترناسیونال پایان یافت.

در بخش آغازین برنا مهاجرا، رفیق حسن حسام با اشاره به فرازهای از تاریخچه سازمان کارگران انقلابی ایران و مهمترین خطوط سیاسی - نظری آن، به تشریح وضعیت کنونی بحران کشور و ضرورت فعالیت متحد و گسترده نیروهای چپ و دمکراتهای ایجاب دیده و احکام کارگری و جنبه واحدمکراتیک - فدا مبریا لیستی پرداخت. و در پایان از تمام فعالین که به برنا مهاجرا با ورودا رند و برنا مهاجرا انتقال به سوسیالیسم را محور سیاستهای خود قرار داده اند دعوت کرد به صفوف سازمان بپیوندند.

پس از آن اجرای بخش برنا مهاجرا متنوع هنری آغاز گردید، که شور و حال خاصی به جشن داد. رقصهای زیبای خلقهای ایران، رقص آذری، کردی، قاسم آبادی، ترانه‌های دلنشین آذری توسط خواننده ارزنده ظروفچی "سرودها و ترانه‌های ترکی توسط رفیقی از حزب کمونیست ترکیه (اتحاد) تکنوازی فلوت و تانگوشه‌های از این برنا مهاجرا تشکیل میداد. در میان برنا مهاجرا نیز نام حزب و سازمانهای ایرانی و خارجی که به این مناسبت پیمایهای همبستگی فرستاده بودند اعلام گردید. سپس شعری خوانی رفیق حسن حسام شروع شد که خیلی به دل نشست. در میان ترانه‌های برنا مهاجرا از رادیو صدای کارگر بخش می‌گردید. و بالاخره انتهای

گزیده‌ای از پیا مه‌ای احزاب و سازمان‌های ایرانی و خارجی بمناسبت نهمین سالگرد تأسیس سازمان

- ۱- جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP)
- ۲- حزب کمونیست ما رگسیت - لنینیت (انقلابی) سوئد
- ۳- حزب کمونیست ترکیه (اتحاد)
- ۴- حزب کمونیست ترکیه مدای کارگر
- ۵- سازمان کورتولوش ترکیه
- ۶- حزب کمونیست پاکستان
- ۷- جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)
- ۸- جنبش آزادی بخش تا میل EROS (سازمان انقلابی ایلام)
- ۹- هیئت تحریریه لنینیت های انگلستان
- ۱۰- کمیته غا ورمیانه - فرانکفورت
- ۱۱- انجمن دانشجویان عراقی - آلمان فدرال و برلین غربی

احزاب و گروه‌های سیاسی دوست سازمان ما ، پیا مه‌ای را بمناسبت نهمین سالگرد تأسیس سازمان ارسال داشتند که لیست نام آنها در جشن شهرکلیان آلمان فدرال اعلام گردید. در اینجا متن برخی از پیا مه‌ها و نام سازمان‌های مربوطه را به اطلاع میرسانیم.

لیست احزاب و سازمان‌هایی که پیا مه ارسال داشتند:

راه کارگر که هم‌اکنون، در آغاز دهمین سال فعالیت خود قرار دارد، در طول حیات ۹ ساله خود، از جمله سازمان‌هایی بوده است که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و افشای ماهیت ارتجاعی این رژیم تلاش و فوری نموده است و در جریان سازماندهی چنین مبارزه‌ای بخشی از بهترین و برجسته‌ترین کارهای بنیادگذار خود را نیز از دست داده است. ما ضمن تبریک مجدد دهمین سالروز بنیان - گذاری سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر، امید آن داریم که این سازمان در شرایط خطیر کنونی جنبش کارگری ایران، با وقوف به نقش کلیدی وحدت صفوف ما رگسیت - لنینیت‌ها به سهم خود، گام‌های هرچه جدی‌تری را در راه فاش شدن برتشتت و پراکندگی جنبش کمونیستی و رسیدن به حزب طبقه کارگر و تقویت و پرورش آن در این راستا بردارد.

با ایمان به پیروزی پرولتاریا شما یندگی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در خارج از کشور ۳/ تیرماه ۶۷/۶

ایمان به حتمیت پیروزی طبقه پیشرو را در زیر و حشیا نه‌ترین شکنجه‌ها فریاد زده‌اند. در میان اعضا و کارکنان راه کارگر، کم‌ نبودند رفقای همچون علی شکوهی‌ها، مه‌ران شهاب‌الدین‌ها، نورالدین ریاحی‌ها، که هم‌چون هزاران کمونیست دیگر با ملامت اراده خود، پوزه جلادان جمهوری اسلامی سرمایه‌را بر خاک مالیدند و در کشتارگان‌های رژیم، پرچم سرخ مبارزه تا پای جان را با خون خود درازا رنگ‌ها شدند، و اراده مصمم پیشروان طبقه کارگر در سخت‌ترین شرایط حاکم بر جنبش ما، بنمایش گذاشتند.

استواری کمونیست‌ها نه تنها در شکنجه‌ها جمهوری اسلامی، بلکه در تمامی عرصه‌های مبارزه طبقه‌ای، تنها بیان عملی واقعیت‌ها و نقطه قوت جنبش ما، در حفظ و پاسداری ارزش‌ها و سنبستن مبارزاتی عظیمی است که طبقه کارگر ایران، و پیشروان کمونیست آن، در طول نزدیک به یک قرن اخیر ایجاد نموده، و در طول یک دهه اخیر این ارزش‌ها و سنبستن را غنای هرچه بیشتری بخشیده‌اند.

پیا مه رفقای کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر رفقا ، ما فرا رسیدن ۴ تیرماه، نهمین سالروز اعلام موجودیت سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر را به کمیته مرکزی و تمامی اعضا و کارکنان این سازمان تبریک می‌گوئیم.

دوران حیات راه کارگر، دوران پرتلاطمی در جنبش کشور ما بوده و در طول این سالها ، تحولات عظیمی در جنبش انقلابی کارگران و زحمت کشان کشور ما رخ داده است. به همان اندازه که جنبش کارگری ما، در طول این سالها با افتخار و برتری و داندن مبارزاتی خود، در مصافی معربا یکی از دامنش‌ترین رژیم‌های تاریخ آبدیده گشته است، در فرازونشیب آن، نیروهای جنبش کارگری و کمونیستی کشور ما نیز تجربیات عظیمی را پشت سر نهاده، آموزش‌های گرانبای را اندوخته‌اند، با استواری برای اهداف والای طبقه خود، شرف و حیثیت کمونیستی را در مقابل تسلیم طلبیان و ریزه‌خواران جیون بورژوازی، پاس داشته ،

انقلابی و ضدیوری آن پی برده در برابر آن به صف آرایی پرداخت . اکنون "راه کارگر" در حین مبارزه مستوه علیه رژیم خمینی، به مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی بیگیرانه‌ای نیز علیه مدعیان کذابی نمایندگی طبقه کارگر در پیش گرفته است. ما در این مبارزات خود را در کنار سازمان شما یافته‌هیم و توان و انرژی خود را در این راه مصرف خواهیم کرد. با شکر به شما پیکار خود و مساعدت یکدیگر حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم و حقوق حقه طبقه کارگر را کسب کنیم.

سرنوخت ما در جمهوری اسلامی ایران ! برقرار با داند جنبش‌های ملی - دموکراتیک خلق‌های تحت ستم ایران با جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران !

گرامی باد نهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن - کمیته اروپا

خستگی‌ناپذیری و خستگی با توجه به درک حساسیت لحظه و ترکیب نیروها و نقش خود در جنبش انقلابی قابل رفع است. جنبش انقلابی ایران می‌طلبد که تمامی نیروهای انقلابی و دموکراتیک بدور از هر نوع تنگ‌نظری و خودمحور بینی در کنار هم قرار گرفته لشکر پرتوانی را علیه رژیم ضد انقلابی خمینی بنیادیند. لحظه لحظه نجات ایران از چنگ یکی از سیاه‌ترین و تنبهاک‌ترین رژیم‌های پدید آمده در دنیا است. بنا بر این بدون سرنوختی رژیم تحقق هر نوع خواست سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی غیر ممکن است.

رژیم خمینی با سیاست جنگ ترور و اغتشاشی که در پیش گرفته، در سطح بین‌المللی به مظهر جنگ طلبی، تروریسم، خشونت، شکنجه و اغتشاش تبدیل شده است.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) برخلاف برخی مدعیان نمایندگی طبقه کارگر ایران که بنا بر این طبقه تا آخرین لحظه از رژیم ضد همه ارزش‌های انسانی قرون وسطایی دفاع کردند، از همان ابتدای روی کار آمدن آن به ما هیت ضد

رفقای گرامی ! ما نهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را به شما تبریک می‌گوئیم.

۹ سال پیش که در شرایط سخت سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) نشان داده که این سازمان با پایبندی به اصول اعتقادی خود و رسالتی که در پیش گرفته معهدا نه به وظایف انقلابی خود عمل کرده است.

سازمانی که توانسته تا کنون در یکی از بحرانی‌ترین و پیچیده‌ترین لحظات تاریخی کشور ما تحلیل نسبتا منطبق با واقعیات جامعه را ارائه داده و صف انقلاب از ضد انقلاب را مرزبندی کند، این امیدواری را بر ما انگیزد که در آینده نیز به همین نحو عمل کند و در تجمع و تشکل توده‌ها حول نیروهای انقلابی و راهبری آنان به سوی اهداف انقلابی و خلقی نقش در خور توجه‌ای ایفا نماید.

هر چند در شرایط فعلی تشدد و پراکندگی در آوری برفضای نیروهای انقلابی حاکم است، لذا این قبیل پراکندگی‌ها، چنانچه تا ریخ مبارزاتی بشرنا هتان بوده است، در اثر مساعدی و مبارزه



پیام به

سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر

رفقا، بمناسبت بزرگداشت نهمین سالگرد تأسیس سازمان شما صمیمانه تبریک درودهای انقلابی خودرا تقدیم مینمایم.

سه سال از مبارزه انقلابی و پیگیر سازمان شما بر علیه دیکتاتوری قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد. سازمان کارگران انقلابی ایران از بدو تأسیس خویش با پیشانی علمی سنی در افشای ماهیت فدخلفی و فدا انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ایران را نموده و همدوش با سایر سازمانهای انقلابی از جمله حزب دمکرات کردستان ایران در مبارزه بر علیه رژیم بدون هیچگونه شبهه‌ای از ماهیت فدا انقلابی آن بیگناز نموده است.

همسنگری پیشمرگان راه کارگر با پیشمرگان کردستان، غاما " پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران که در راه استقرار دمکراسی در ایران و خودمختاری در کردستان مبارزه می‌کنند، ایمان راسخ سازمان شما را به حق تعیین سرنوشت خلقهای تحت‌تسلیم ایران به ثبوت میرساند.

رفقا، هرچند در چند سال اخیر سیاست راستگرایانه فراقسبون شرقگندی- فاسلو حزب ما را تدریجا از مفاد اپوزوسیون انقلابی ایران جدا ساخته و سیاست سازش با اپوزوسیون فدا انقلابی را جایگزین دوستی با احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی ایران و جهان ساخته که نهایتاً " انزوی نسبی حزب ما را در برابر اپوزوسیون انقلابی موجب شده بود. موضع گیری آگاهانه و به موقع رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران و طرد فراقسبون مذکور و پشتیبانی توده های حزبی از این تصمیم تاریخی و انقلابی ثابت نمود که علیرغم تلاش فراقسبون شرقگندی - فاسلو در به انحراف کشاندن جنبش انقلابی کردستان، مبارزه حزب و خلق ما مبارزه ای است انقلابی و اصیل که تا تحقق آرمانهای دیرین خلقمان ادامه خواهد داشت.

رهبری انقلابی حزب ما، در راستای تحقق بخشیدن به مفاد ده ماده‌ای که در اول فروردین ماه شصت و هفت اعلام شده تاکنون قدم های مثبتی برداشته است. احساس مسئولیت انقلابی در برابر جنبش ملی دمکراتیک خلقمان که در اعلام آتش بس یک طرفه با سازمان کومه له و پایان دادن به جنگ برادر کشی در کردستان نمایان می‌شود یکی از اقدامات انقلابی و بسیار مثبت رهبری حزب ماست.

در ادامه تحقق بخشیدن به همین مفاد است که حزب ما تاکنون با بسیاری از سازمانهای انقلابی و مترقی کشورمان ارتباط دوستانه برقرار کرده، که باشد مبارزه خلقمان با مبارزه سراسری گره خورده و همدوش با سایر نیروهای انقلابی و مترقی میهنمان سقوط رژیم قرون وسطائی جمهوری- اسلامی را شریک و در استقرار رژیمی دمکراتیک همگام باشیم. حزب ما خواهان دوستی با کلیه سازمانهای انقلابی و مترقی است رهبری انقلابی حزب ما معتقد است که در تداوم روابط و همکاری دوستانه با نیروهای انقلابی و مترقی است که امکان یک اتحاد عمل نهائی نیروها برای سرنگونی رژیم مفسر میگردد. بار دیگر درودهای انقلابی ما را بپذیرید.

پیروز باد نهمین سالگرد تأسیس سازمان کارگران انقلابی ایران

راه کارگر

مستحکم باد پیوند مبارزه خلق کرد با سایر خلقهای ایران

حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی

کمیته خارج از کشور

پاریس ۲۲/۶/۸۸

اعلامیه
کمیته خارج از کشور

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



علیه جنایت امپریالیسم آمریکا
و جنگ افروزی فقها مبارزه کنیم!

۲۹۰ نفر مسافر هواپیمای غیرنظامی در آتش جنگ فقها
و جنایت امپریالیسم آمریکا قربانی شدند!

تا ونگتهای آمریکائی که با ملاحظ برای تأمین امنیت کشتیرانی در خلیج و در حقیقت برای انبای نقش ژاندارسی امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس هجوم آورده اند، با تکیه بر هواپیمای مسافربری ایران و ساقط کردن آن در خلیج، جنایت دیگری آفریده و ماهیت واقعی امپریالیسم و بی‌اعتنائی که ملان را نسبت به حال و سرنوشت انسان ها برملا کرده اند، این جامعه که مردم ایران را داغدار کرده است، بیکار و بیگرو و بی‌مروت و وحشتناکی عواقب تند و بی‌چنگ ارتجاعی ایران و عراق را نشان داد. جنگی که با عت خونخوار امپریالیسم در خلیج فارس است. ابتدا زانین فاجعه ریگان از پیش آمدن "تراژدی" اظهارناهی می‌کنند اما بیشتر ما این عمل را دفاع تاوگان نظامی خود در برابر حملات تعلق می‌کنند. حکومت فقها هم شک تصاح سر بر زده با اعلام عزای ملی و تهدید آمریکا به انتقام و برپا انداختن هیاهوی فدا آمریکا می، بیخبال خود میخواستند هداهن توده های خشکین و متنفرا جنگ را بفریبند، اما مردم ایران و همه بشریت آگاهان زعلت ملی بروی زمین فجا بی بخوبی با خبرند، نه با سخ ریگان می توانند چهره کربه تنجا و زکرا امپریالیسم را بیرون تودنسه اشک تصاح فقها تا در است که خشم توده های جان به لب آمده از جنگ ارتجاعی را میانه شما بد. همه می دانند که داغ جنگ توسط فقها و آتش افروزی آنها است که امپریالیسم ها را به خلیج فارس کشانده و راه جنایات آنها را باز کرده است، همه میداند که این حکومت فدا انقلابی فقها است که با تند و جنگ، هر روز با عت فجا بی این چنین می شود، چرا که تا جنگ ادا مه دارد، کشتار و ویرانی هم هست. دیگر مردم می دانند که در جنگ ترور و خشک با هم می سوزند و کشتار فقط محدود به جوانان و وگرا گونگا نشان در جبهه ها نیست، بلکه کودکان و زنان و مردان مسافرها هم در این آتش می سوزند. به همین ترتیب کارگران و همه مردم آگاه و مترقی ایران در این فاجعه ناگهانی حکومت فقها برپا است، جنگ و مآب آن نیز وجود دارد.

هموطنان آزاد میخواهید، مهاجر، نیروهای مترقی و انقلابی!

در حالیکه مردم میهن ما در جنگ فجا بی می شوند، ما وظیفه داریم که از آنان به دفاع برخیزیم و این دفاع جز به معنی تشدید مبارزه علیه رژیم فقها و جنگ آنان نیست. و در زمانه شبکه حکومت اسلامی در مرحله شکست نظامی فرا گرفته و اعتراض مردم ایران علیه رژیم و جنگ روز افزون است، ما میتوانیم با حرکات اعتراضی علیه جنگ بیشترین فشار را بر رژیم و راه آورده و با جنبش مردمان علیه رژیم و برای سرنگونی آن همراه شویم. ما ضمن ایستادگی و شکیبایی به غنا و ده های قربانیان ایستادگی ما جبهه ضمن ایران از آنجا که جنایت امپریالیسم آمریکا، همه هموطنان مهاجر و نیروهای مترقی و انقلابی را به شاد عمل علیه جنگ و رژیم فقها و علیه حضور نظامی ناتو در خلیج فارس فرا می خوانیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا
مرگ بر جنگ، زنده باد صلح، زنده باد انقلاب
مرگ بر جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته خارج از کشور
۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ - ۵ ژوئیه ۱۹۸۸

نظاھرات ۵۰ هزار نفری در استاد یوم آزادی

با زی استا دیوم را تخلیه نکرده و با دادن شعسا رو پرتاب چوب و سنگ همچنین قسمتها شی زمندلیهای جا یگا استا دیوم را به آتش می کشند. ما مورین کمیته به قصد فرو نشاندن شورش خواستار دخالت در ما چرا می شوند ما بلا مخالفت ما مورین شهر با نی روبرو شده و عملا در آن دخالت چندانی نکرده و در بیرون محوطه استا دیوم بحالت آماده باش بسر می برند. اما یکی از فرماندهان گشت کمیته داخل زمین چمن از مردم می خواهد که استا دیوم را ترک گویند که با اما بت سنگ بزرگی بشدت زخمی می شود بطوریکه پزشکان داخل استا دیوم موفق به مداوای ما مور کمیته نگشته و ناگزیری را با آمبولانس بسیمارستان منتقل می نمایند. با تا ریک شدن هوا بتدریج جمعیت استا دیوم را ترک گشته و بدادن شعاعلیه ۲ تن از بایکنا حزب الهی تیم و بنیاد مستضعفان می پردازند. در بیرون محوطه استا دیوم نیز نظاھرات تا حدود نیم ساعت بطور پراکنده ادامه می یابد و در تاریکی شعارهای سیاسی هر چه بیشتری فریاد زده می شود. درگیری های پراکنده ای نیز در بیرون محوطه با ما مورین گشت کمیته بوقوع می پیوندد که در جریان آن گفته می شود حداقل یک ماشین گشت "پا ترول" واژگون شده است. ولی با عدم دخالت بیشتر کمیته چیهسا درگیریها فروکش نموده و رفته رفته جمعیت محوطه بیرون استا دیوم را نیز ترک می گویند. مردم آنچنان به خشم و خروش آمده بودند که کمترین دخالت خشونت بار کمیته بمنزله ریختن نفت بر روی آتش می بود و به شورش ابعا دگسترده تری می بخشید. از دستگیری احتمالی افراد هونوزخبری در دست نیست ولی بی شک این اعتراضات در مسورتدا و مپا زیها مجددا اوج تازه تری خواهد گرفت ولی فعلا تیم پرسپولیس بمنظور شرکت در با زیهای با شگا های آسیائی روانه بنگلادش شده و هونوز هیئت فوتبال و سازمان تربیت بدنی در برابر این حوادث واکنشی از خود نشان نداده اند.

(د) ۶۷/۳/۱۸

در استا دیوم پس از مدتی بحث پیرامون آخرین تحولات جاری در حالیکه با های خود را بر زمین می کوبیدند شامی دهند: مرگ بر بنیاد مستکبران. مرگ بر مظلومان رهبری رئیس بنیاد مستکبران. همچنین شعارهای به حمایت از علی پروین داده می شود. تا شروع بازی خواندن سرودهای اعتراضی و شعارهای علیه بنیاد مستضعفان بطور تناوبی ادامه می یابد. از آنجا شیکه بسیاری از حاضرین تصور می نمودند این اقدام بنیاد مستکبران را تحریکات مردمی مواجده و پرسپولیس شرکت در با زیها را تحریکات خواهد نمود و با ورود تیم به محوطه زمین چمن جمعیت یکبار به چشامده و با سنگ و چوب و بطری از آنان استقبال می کنند. جمعیت علاوه بر هجوم به سمت بایکنا و تکرار شعارهای علیه بنیاد مستضعفان بایکنا تیم و با لافش ۲ تن از موافقین طرح پذیرش سرپرستی بنیاد دوبرکناری علی پروین را به فحش و ناسزا می گیرند. بخشی از جمعیت از بنیاد مستضعفان می گویند که این اقدامات را طرفدار استا دیوم با لافش می گویند خود را به زمین چمن رسانده و مانع از برگزاری مسابقه گردند. اما پلیس ضد شورش و گارد شهر با نی مستقر در استا دیوم با توپ و مگنول جمعیت حمله ور شده و زمین را از جمعیت تخلیه می کنند. با شروع بازی هونوز جناح و شعار شدت بیشتری یافته و با سا هیچکس به جریان بازی اعتنائی نمی کنند بطوریکه در فاصله حریفان حوقف می شود. با خاتمه مسابقه نظاھرات بتدریج به یک شورش تمام عیار تبدیل می شود. بایکنا تیم که قصد خروج از زمین را داشتند با هجوم جمعیت روبرو شده و بر اثر پرتاب سنگ و چوب موفق به خروج از زمین نمی شوند. گارد شهر با نی بایکنا را در مرکز زمین محاصره می کنند تا از حملات جمعیت مصون بدارد. اما با ورود بخشی از جمعیت بداخل زمین زد و خورد و درگیری شدت بیشتری می یابد. ما مورین گارد شهر با نی با تمام تجهیزات ضد شورش جمعیت بیشتری را مجروح می زند. مسئولین شهر با نی از جمعیت با التماس تقاضا می کنند که استا دیوم را ترک گویند اما مردم تا نیم ساعت پس از خاتمه

تیم فوتبال پرسپولیس که پس از قیام عملا فادبا شگا بود با تلاشهای علی پروین کا پیتان سابق و مربی این تیم را دیگر سروسامان گرفت و بعنوان تیمی پرنفوذ و محبوب و در عین حال مستقل، قهرمان فوتبال با شگا های ایران و تهران گردید و تا کنون نیز از قهرمانی خود دفاع نموده است. نهاد های ارتجاعی حکومت اسلامی نیز از مدتها قبل سعی فراوانی کرده اند تا با استفاده از نام و نفوذ این تیم هویت مستقل آنرا مسخ نموده و از محبوبیت آن به نفع خود بهره جویی نمایند. ابتدا با اعمال فشار و مانع تراشی و محدود سازی امکانات سعی در تلاش این تیم داشتند که با همیاری بسیاری از دوستان در این تلاش خود نا کام ماندند سپس کوشیدند تا نام این تیم را تغییر دهند. ابتدا نام آنرا فریبکارانه به "آزادی" تغییر دادند که با مخالفت تیم روبرو شده و سرانجام با پیروزی را به آن تحمیل نمودند. آخرین این تلاشها برگزاری علی پروین و خود بین از مربی گری و سرپرستی تیم و واگذاری سرپرستی آن به بنیاد مستضعفان می باشد. این اقدام با مخالفت بسیاری از مافاقل ورزشی و منجمله مجلات ورزشی و دوستان را تیم روبرو گردید. اما با دخالت دادستانی و تهدید مربی تیم در تبرع عدم حضور در میادین ورزشی تحت هیچ عنوان نظاھرات بنیاد مستضعفان موفق گردید که سرپرستی تیم را بعهده گیرد. با شروع دور جدید با زیهای با شگا هی تهران از روز پنجشنبه ۱۲ خرداد ماه و انعکاس گسترده قضا یا در استا دیوم جدیدی بین اعتراضات ابعا د تا زه تری بخود گرفته و جمعیتی که برای دیدار دیگری گرد آمده بودند با دادن شعار: "آما ده باش و بهر نبرد با ما آماده باش"، خود را برای مقابله و درهم شکستن این توطئه جدید آماده می سازند. عصر جمعه ۱۳ خرداد دروز دیدار پرسپولیس و بانگ ملی اعلام شده بود و جمعیتی بالغ بر ۶ هزار نفر بمنظور اعتراض علیه سلطه بنیاد مستضعفان و برگزاری علی پروین در استا دیوم آزادی گرد هم می آیند. ساعتی قبل از شروع بازی جمعیت حاضر

آنها ناظم حکمت

و آنها که ویران می کنند	آنها که تریسو،	آنها که بشمارند
و می آفرینند، آنها -	شجاع،	چون مورچگان در زمین
حماسه ما فقط از سرگذشت آنها می گوید.	نادان،	ماهیان در دریا
آنها که تسلیم دروغ خیانتکار میشوند	دانسا،	بزدگان در آسمان،
و پرچم هاشان را بر زمین می افکنند.	و بی آرایش هستند،	

نظا هرات گسترده زنان بندرانزلی

پنج هجاه اعلام می کنند که دولت به متما م کسان می کسه کپسول خالی تحویل شرکت داده اند، کپسول خواهد داد. این عقب نشینی رژیم در اتحاد و روند حرکت در بین مردم تزلزل ایجاد می کند. بعضی ها شعار "همین حالا" را می دهند، بعضی ها "وقت معین کنید" را فریاد می زنند و خیلی ها املا مسئله شان کپسول نیست، محلی یا فته اند تا کینه شان را اندکی فریاد کنند.

سرانجام "حاج آقا" با این طرفداران گسترش این حرکت جلوگیری کرد. ولی مردم چیزی از دست ندادند و بسیار چیزها در عرض این چند ساعت آموختند، به قدرت جمع پی بردند، قدرتی را که بیارائی مقابل را از رژیم سلب نموده بود، قدرتی که رژیم را در مقابلش خوار و ذلیل می دیدند و بر این اساس بودند که تا روزها همه خوشحال بودند. جمع در حالی پراکنده شد که بر تمام چهره ها یک لبخند نقش بسته بود، لبخندی که پیشک بی معنی نیست، تجربه ای برای روزی دیگر، روزی که دور نیست. روزی که با این رژیم برای تسویه حساب میدان خواهند آمد.

تعدادی از فعالین آن روز این حرکت که توسط افراد بسیار ناشی شده بودند، نیز روز پس از آن ده دستگیر شدند. چند نفر از آن پس از چند ساعت در پی یک با زجوشی آزاد شدند و تعداد دیگر، هنوز از سر نوشتشان اطلاعی در دست نیست.

از آن را در خود نمی بینند، در اندک مدتی تمام ارگانهای امنیتی استان به حال آماده باش در می آیند و هنوز ساعتی از شروع نظا هرات نگذشته بود که احسان بخش، نماینده خمینی در گیلان و امام جمعه رشت در جلوی مردم ظاهر می شود. او با بقیه ای که از درگیری بهمن ماه در ذهن داشت، با عجز و لایه مردم را به آرامش دعوت کرد ولی مردم سالهاست که عجز و لایه مسئولان و ظاهرا می بینند، احسان بخش طرفداران یک به یک رومی کند، از انقلاب و خدا انقلاب می گوید، مردم تحویلش نمی گیرند. از گوشه و کنایه ها بی بر علیه وی و رژیمش بلند می شود، او از مردم جا زده می خواهد که مهلت دهند تا صاحب شرکت را پیدا کنند ولی دیگر کار از این وعده ها گذشته است. شعرا را کم کم در رند رنگ عوض می کنند. حاج آقا ما موریت داده هر ترستی شده، این جمع را متفرق و ساکت گرداند. پیشنها می کنند نفی چها ر صد و پنجاه تومن مردم بدهند، تا کپسول تا زه دولت تحویلشان بدهد. مردم هویش می کنند، صداها را از گوشه و کنایه ر بلند می شود: "نگنند اصلا دولت در این کار دست داشته است"، "از دولت گذاهر کاری بر می آید"، "گدا می از این غلٹی تر نشود"، "جنگ کفگیرشان را به تدیگ زده"، "مرگ بر جنگ" و... حاج آقا اوضاع را نا مساعود و آژانده انفجار می بیند. زمزمه ها و تک شعرا را کم کم در رند به شعرا می همگانی تبدیل می شوند. حاج آقا دست پا چه، دور بر پیرایش را صدامی کند و پس از چند لحظه

اقدام به برگردن آن نماید. مردم هم که سالهاست از کمبود گاز به ما شنید کمبود و یا نبود بقیه ما بحتاج اولیه زندگی در رنجند، کپسولهای خالی خویش را به شرکت تحویل می دهند. شرکت در اندک مدتی حدود سه هزار کپسول جمع آوری می کند ولی به جای برگردن و استرداد آنها به مردم، اقدام به فروش آن در بازار آزاد، در شهرهای دیگری نماید. مردم پس از مدتی انتظار هیچ نشانی از استرداد کپسولهای خویش نیافتند، شرکت را نیز تعطیل می یابند. در نتیجه بیش از هزار نفر از مردم خمکین و زحمتکش بندانزلی که اکثر قریب به اتفاق آن را زنان، در حالی که بچه ها شان را نیز به همراه داشتند، تشکیل می دادند، طبق قرائن قبلی، همزمان در بچه روزها می که وابستگان رژیم در تعداد ۱۵ خردا دیو بودند، ابتدا در جلوی شرکت مزبور اجتماع کرده، از آنجا بطرف خیابانهای شهر به حرکت در می آیند. در اندک مدتی، با پخش خبر در سطح شهر هزاران نفر به این جمع پیوستند. سیل جمعیت لحظه به لحظه بیشتر گردید. شعرا را کم کم رنگ سبزی پیدا کردند. "برگ بر خمینی"، "مرگ بر جنگ"، چکمه - پوشان رژیم و وحشت زده برای مقابله با مردم و طوطی گیری از اوچ گیری نظا هرات ظاهرا گشتند. ولی شکست فزاینده ای را که از نظا هرات قبلی (نظا هرات اول بهمن بمناسبت کشتن یک جوان توسط پاسداران در خیابان) و ترسی که از آن، از خشم گسیخته مردم بر ذهن داشتند، بیارای جلوگیری

به سوی برپائی سمینا ر پنجم کانونهای پنا هندی در آلمان فدرال

انشعاب به خود هویت دهند. بنا بر این این دسته روندی روبه زوال را طی کرده اند. در حالی که انشعاب نداشتند، با این حال موضع کانونهای اصولی برای اجتناب از انشعاب در این شرایط درست بوده است. زیرا گرایش اصولی با اتکاء به اصولیت خویش و اتکاء به قدرت خود می توانست وجود یک فراکسیون سکتاریست ولی ضعیف را برای مدتی تحمل کند. و آنها را از انشعاب زودرس منع نماید. ولی با این همه بنا بر تردید داشت که این انشعاب چیزی نیست جز محصول فرعی رشد گرایش اصولی. بنا بر این خط اصولی و کانونهای حامی آن با بدبنا قاطعیت برنا می های خود را ادامه دهند و انشعاب مذکور را شکست حرکت یکساله خود تلقی نکنند. متاسفانه یک چنین تردیدهایی در سمیناها مبورگ بروز کرد و هنگامیکه کانونهای انشعابی تصمیم خود را اعلام کردند، بقیه کانونها که بخش اصلی را هم تشکیل میدادند، میتوانستند ر بقیه در صفحه ۱۳

نجات خود از زوال قطعی است. بگرایشی که در انشعاب میگوشت با تیرا دیدنولوژیک شکلها و تجسمات مردم را شقه کند. سیر کلی این سمیناها در ضمن مبین رشد گرایش اصولی و غلبه آن بر دیدگاه سکتاریستی است. نگاهی به مباحث این سمیناها، منجمله آخرین سمینا، برتری فکری گرایش غالب را بخوبی ثابت می کند. علاوه بر این آراء کانونهای متعلق به این دیدگاه، در هر چه سمینا ر بیشتر از طرف مقابل بوده است و قوی ترین کانونها از لحاظ قدمت و قدرت بسیج به این گروه تعلق دارند. این واقعیت از چشم گرایش روبه زوال پنهان نبود. و می با یست پیش از شکست، کامل راهی برای نجات خویش می یافتند. به این منظور بسیار حرکتی از پیش سازماندهی شده، و با دست و پا کردن چند کانون که فقط برای چنین مواقعی ساخته شده اند، مثل کمیته فرایان فرانکفورت و ویسک فرمول حاضر و آماده سمینا را مدتها با اعلام

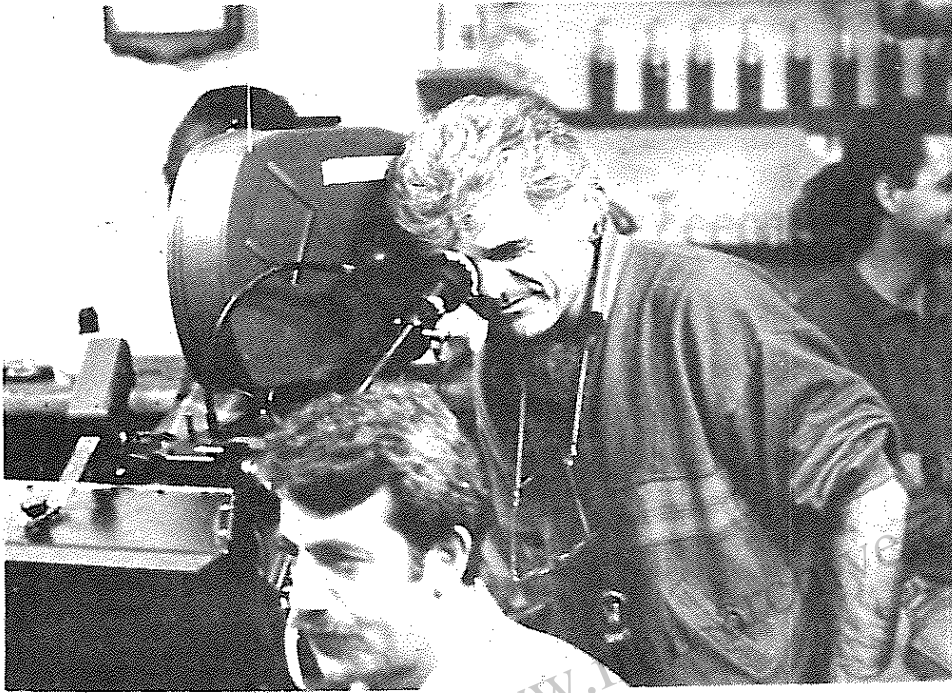
نمایان شد، در سمینا ردا ر مشقات و آخن در فرمول بندی های روشن به اوچ خود رسید و در جریان سازما ندهی نظا هرات ۹ آوریل در شهر کلن عملاً از یکدیگر جدا شدند. در واقع سمیناها مبورگ اعلام رسمی این انشعاب بود.

منشعبین در این سمینا سعی کردند با بهانه قرار دادن نظا هرات ۹ آوریل و بزرگ کردن برخی اشکالات اجرایی آن، انشعاب خود را موجه جلوه دهند. ولی برای همه دست اندرکاران این برنامها واضح است که این اشکالات تراشیها برای ایزم کردن است. غیظ این منتقدین نه به علت اشکالات عملی این نظا هرات بلکه بخاطر موفقیت گرایش اصولی در سازماندهی این اقدام بود. و گرنه چگونه میتوان جنبه های مثبت این اقدام را یکی از بزرگترین نظا هرات اعتراضی پنا هندگان در سالهای اخیر بودنا دیده گرفت و اشکالات آنرا زیر ذره بین برد. این انشعاب البته دلایل دیگری دارد و آن تلاش مذموبحانه گرایش فرقه ای برای

گفتگوی بارضا علامه زاده

نویسنده، سنا ریست و کارگردان سینما

می خواهم روایتگر عشق پررنج "یارودیار" باشم



رضا علامه زاده، نامی آشنا و ماندگار در سینمای میهنمان است. این آشنایی و ماندگاری تنها به دلیل فعالیت‌های سینمایی رضا نیست، چرا که زمینه هنری فعالیت‌های او تنها به سینما محدود نمی‌شود. او به سلاح کاری قلم‌نیز دست زده و نوشته‌هایش نیز منتشر شده است. او همراهِ فعالیت‌های بیست ساله سینمایی و ادبی‌اش، در مبارزه انقلابی در صف عاشقان رها شدی خلق نیزگام برداشته است. تا آن حد که به جرم "تلاش برای براندازی رژیم سلطنتی شاه و توطئه ترور شاه، فرح و ولیمهد" در ابتدا دگای‌های رژیم شاه به حبس ابد محکوم شد.

این موجودندمی‌ما روی الاصل، که حتی در یک نشست چندماهه به راحتی می‌توان به عمق مفاهیم و مبهمیتش پی برد، اما می‌خواهم به خصوصیات خوب بچه‌های محله‌های آن‌ها بزرگ شده... خصوصیات خوب بچه‌های زرین نعل، شهاب زوفوزیه تهران... را بی‌غل و غش و دوست‌داشتنی با خود دارد. خصوصیات دورانی که با کوله‌باری از خاطره‌های ماندگار، سخن از آن چهره‌اش را شاداب تر و سرجال ترا همیشه می‌نمایاند.

رضا علامه زاده که اکنون ۴۵ ساله است، به عنوان یکی از برجسته‌ترین کارگردانان سینمای ایران در تبعید، روایتگر مرثیه‌های غربت و آوارگی و "مویه‌های غریبانه" غربت‌بزیب‌ترین

و در عین حال دردآورترین شکل است. او، مثل همیشه ستیزنده با هنری که "سیاست عقیم‌کردن هنر را دنبال می‌کند" و مثل همیشه ستیزنده با هنر جباریستند و جباری پرور، به گونه‌ای شاعرانه، چشم‌نواز و پربرنده، رسالت سینمای مردمی و متعهد را در غربت

به جنبش و فرورزش درآورد و زده است. با سیاست از اینکه دعوت ما را به "گفتگو" پذیرفته است، بهای صحبتش می‌نشینیم، تا به اختصار حرف‌های گفته و نگفته پیرامون خودش و کارهایش را از زبان خودش بشنویم.

س: در باره کارهای پتان در گذشته و حال و نیز برنامه‌ها پتان برای آینده، برایمان بگوئید.

ج: با سیاست از اینکه چنین گفتگو "ش" را ترتیب داده‌اید، اگر چه فقط می‌باید، تلاش می‌کنم تا به سوال شما پاسخی به اختصار اما نسبتاً کامل بدهم. من فعالیت هنری خود را بعنوان فیلمساز سال ۱۳۲۸ شروع کردم، همان هنگام که در واقع دوران فارغ‌التحصیلی از مدرسه عالی سینما و تلویزیون را می‌گذراندم. بیشترین کارهای سینمایی من فیلم‌هایی برای کودکان و نیز فیلم‌های مستند بوده است. ضمن اینکه فیلم‌های سینمایی نیز ساخته‌ام. "ماگوش می‌کنیم" نوشته دکتر غلامحسین سعیدی، نخستین فیلم من بود که در سال ۱۳۲۸ آن را ساختم. اما از ساختن فیلمی برای سال این نوشته را، در دیداری خاطره‌ساز که من به همراه کرامت‌دانشیان و ویوسف‌آلپاری با دکتر سعیدی داشتیم، از او گرفتم. تا قبل از دستگیری ۳۰م فیلم "شب مست"، "داژو" "شاهد" را برای کودکان ساختم

که از میان آنها فیلم "دار" شناخته شده‌تر است. از سایر فیلم‌های آن دوره ما است. در همین دوره دو فیلم سینمایی بنا می‌گذاشتیم و "قدایی" ساختیم که از لغزش‌های بزرگ فعالیت هنری من در این دوره بودند. من در همین دوره طرح‌ها و نوشته‌های زیادی برای ساختن فیلم داشتم، اما امکانات ضروری در دسترس نداشتم.

دردورانی که در زندان بسر می‌بردم، به نوشتن روایت‌ها و کتاب‌ها منتهی شده "شبه قطور درخت افرا"، "هنر آدمیان نخستین" و "هنر تمدن‌های پیشین" از کارهای این دوره من است که دو کتاب آخری در سال ۱۳۵۹، بعنوان بهترین کتاب‌های کودکان، جایزه کتاب‌تون کودکان را گرفتند. پس از رهایی از زندان، یعنی از اوایل سال ۱۳۵۷ تا هنگام تبعیدم، که حدوداً ۵ سال طول کشید، من سخت درگیر کارهای سیاسی و اجتماعی بودم. سه فیلم مستند و دو فیلم برای کودکان ساختم. "حرف بزن ترکمن"، "ماهی سیاه کوچولوی دانا" که بر

اساس زندگی زنده‌ها دمدمبهرنگی ساخته شد و نیز "شط شرجی" که پیرامون جنگ بود، سه فیلم مستند این دوره از فعالیت فیلمسازی من است. دو فیلم نیز با نام‌های "قای بیمه‌ای" و "نقش برای کودکان ساختیم. البته من پس از انقلاب، در آغاز کار، طرحی را در رابطه با "جنبش چریکی" برای فیلم ساختن به کاروان پرورش فکری دادم که تصویب نشد. در همین دوره نیز قلمداداشتم "جای پای آهو" که اقتباسی آزاد از "فونتا مارای" سیلونه بود را بسازم که قبل از فیلمبرداری با مشکلات سازمان پرورشی برخورد کرد و کار متوقف شد. برخلاف شایعاتی که در آن هنگام پیرامون این فیلم طرح بود، این فیلم ربطی به حماسه‌ها ندارد. اما با زتاب یک حرکت چریکی در یک روستا بود. فیلمنا "جای پای آهو" بعدها، برخلاف میل خودم که با چاپ سنا ریوها هم زیاد موافق نیستم، به چاپ رسید. تا قبل از تبعید من علاوه بر فعالیت‌های گفته شده، قصه‌ها و نوشته‌های متعددی نوشتیم که در جنگ‌ها و نشریات هنری و



این فیلم هنرپیشه‌های با تجربه و پیرا رژی بازی می‌کنند که به اعتقاد من بسیاری از آن‌ها بازی - های درخشانی ارائه داده‌اند. هنرپیشه نخست فیلم شهره آغداشلوست و هنرمندان گرانقصد ری همچون ناصر رحمانی نژاد، محسن مرزبان، بهرام وطن پرست، هوشنگ توزیع، ثریا مفید، ویدا قهرمانی، کامران نوزاد و... در این فیلم با من همکاری کرده‌اند. مدیر فیلمبرداری یکی از فیلمسازان متریقی آمریکایی ست و فیلمبرداری با ریدپا هری است. صدا برداری فیلم یوسف شهاب یکی از با صلاحیت ترین صدا برداران سینمای ایران است و موزیک متن فیلم را آنتگنا زنا صدا را سفیدیا رمنفرزاده خواهد ساخت که ظرف هفته‌های آتی آماده خواهد شد. این فیلم با یاری مالی رافق پویا و به قیمت زیر قرض رفتن بسیاری از دوستان و آشنایان به پایانی ترین مراحل خود رسیده است. تلاش این بود که فیلم را بتوانیم برای فستیوال کسان آمده‌کنیم اما مشکلات نگذاشتند!

روزگار صدا و موفشرده نیز در خیابان‌ها و فرودگاه استانبول، بعنوان اینکه یک فیلم ترکی می‌سازیم، توانستیم با زبلی‌های زیاده‌دوگانه مخفی‌کاری صحنه‌هایی را که مورد نظر بود، بسازیم. ضمن اینکه همکاری یک گروه فنی ترک نیز در این رابطه، در پیشرفت کارمان نقش پر اهمیتی داشت. برای کنار در فرودگاه آستردا مهندسی مشکلات زیاد داشتیم که توانستیم با پرداخت مبلغی حدود ۴۶ هزار مارک با بیت اجازه چند ساعتی قسمت‌هایی از فرودگاه برای فیلمبرداری و نیز رفع موانعی دیگر، بمر مشکلات کار در هلند غلبه کنیم. بهرگونه من نسبت به موفقیت این فیلم در زمینه‌های مختلف خوشبین هستم.

درباره این سوال که برنا ماهی آینده‌ام چیست؟
با بدبگویم که واقعیتش این است که قصد ندارم سر بیا

پای ساختن یک فیلم سینمایی بروم، منتظر خواهم ماند تا تکلیف فیلم "مه‌نان هتل آستوریا" روشن شود، چگونگی و کیفیت تا شریک‌گذاری این فیلم در داخل و خارج از کشور برآیند سخت بر اهمیت است، بویژه تا تیرا این کار در داخل و واکنشی که نسبت به آن بروز خواهد کرد، در واقع اصل ماجراست. مساله بازگرداندن پول ساختن این فیلم، برای من اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، پول کسانی که بدون کمترین چشمداشتی، هزینه تهیه این فیلم را تقبل کرده‌اند، کارهای کوتاه برای کودکان را دنبال خواهند کرد، اما در فکر تارتوستم، دوست دارم کارها را ترکیب کنم و در این رابطه طرح‌هایی نیز دارم.

نکته‌ای که در رابطه با تهیه این فیلم گفتنی است اینکه، ما برای تهیه صحنه‌هایی که می‌بایست در ترکیه فیلمبرداری می‌شد، مشکلات فراوانی در برابرمان داشتیم. اولاً این فیلم سیما و آنتی و کریمه رژیم ترکیه و پلیس آن کشور را بویژه در بر خورد با پناهندگان نشان میدهد، بنا بر این تهیه صحنه‌هایی که بی‌انگاری مناسبت با شد در ترکیه عملاً سخت مشکل بود، تا نیا همانگونه که مطلع هستید فیلمبرداری خارجی در ترکیه اجازه فیلمبرداری نداد و دو کسب چنین اجازه‌ای بسیار مشکل و تا حدی غیرممکن است. ما پاره‌ای از صحنه‌های فیلم را با بازی هتل آستوریا و وضعیتی شبیه به وضعیت ترکیه، در آمریکا ساختیم، اما با ۸

جوابیه یک کمونیست به تهرات ضد انقلابی منتشره در کیهان لندن

داده‌ها و اکیها هر چند در هم بکوشند، خود را در لباس مخالفین بی‌عدالتی و جنگ و جنایت، مخفی کنند، افشاء خواهند شد و جانی در چنین مفروضی ندارند.

ساواکی جنایتکاری دیگری که بنام "دکتر مرضی نریمانی" در کیهان لندن، نوشته است: "کمونیستها تظاهرات ضد جنگ در پاریس را به هم زدند" بخوبی می‌دانند که کمونیستها، در هیچ کجا، از افشاء ولعن ساواکیها و سایر جنایتکاران - که اسم خود را دکتر نیز می‌گذارند - دست بر نمی‌دارند. بنا بر این همانطور که آرزو کرده است: "کاش با هم می‌شکست و نمی‌فتم" بعد از این، ایشان هم - اگر هویتی واقعی دارد و ساخته ذهن گردانندگان کیهان شاهنشاهی نیست - نباید از این غلط‌ها بکنند و پایش را به چنین مجامعی (که شرط اقل آن آدم بودن و جنایتکار نبودن است) بگذارد.

مهره‌ای مهم زدستگاه سرکوب دولت فاشیستی شاه را در کنگره جمعیت یافتند، پس از دفاعی

کمونیست‌ها تظاهرات ضد جنگ در پاریس را به هم زدند

ساعت ۱۸ روز جمعه ۲۵ مارس مدعیان از هیئت‌های برای اعتراض به جنگ ایران و عراق در محل سازمان کورسک پاریس جمع شدند. من نیز در جمع رفتم. گشتی پاریس می‌شکست و من رفتم تا شاهد واقعه تاریخی باشم. خبری از ایران‌ها در محل جمع شده بودند. تعدادی از حدود بیست نفر از دانشجویان که به همراه هیئت‌های کورسک بودند، برای اعتراض به جنگ با کاشی‌های پاریس و شکست و اجتماع مردم را که برای اعتراض به جنگ جمع شده بودند، مشتال کردند و اگر دهان‌های پاریس از آنجا نبردند، جوانان پاریس در آنجا می‌ماندند. کمونیست‌ها و ترکان در آنجا جمع شدند و با هم تظاهرات کردند. آقای سران، من یک پزشک کیهان هستم که می‌خواهم نشان دهم که کمونیست‌ها تظاهرات ضد جنگ در پاریس را به هم زدند.

دکتر مرضی نریمانی

تا مل و مشورت، خشم و انزاج کمونیستها که ترجمان نفرت عمومی همه ترقی‌خواهان و مردمست‌متکشیده میهن ما است، نشان را این جنایتکاران بنا شد و در ملا عام افشاء گردید.

این اعتراض و افشای گری انقلابی، نشان

دربار به نوشته‌های در کیهان لندن از جانب یکی از رفقای خواننده نشریه، نوشته کوتاهی به همراه بریده‌کیهان لندن بدستمان رسید که در این صفحه بنظر خوانندگان می‌رسد.

کمونیست‌ها، در هیچ کجا، از افشاء ولعن ساواکیها و سایر جنایتکاران، دست بر نمی‌دارند!

روز ۲۵ مارس، در اعتراض به جنگ ایران و عراق، صدها تن ایرانی در جلوی ساختمان سازمان نیونسکودر پاریس اجتماع کرده بودند. ترکیب جمعیت کاملاً متنوع بود، بنحوی که هر دسته‌ای دسته‌دیگر و افراد بسیار، همدیگر را بیگانه می‌یافتند. همین تنوع و بیگانگی، آدمها را کنجکاو و تر کرده بود. در این میان کمونیستهای که در زمان تسلط رژیم شاه ملعون، بدست عمال جنایتکار و ساواک شکنجه و با زوئی شده بودند، رسولی جنایتکاران این شکنجه‌گر معسروف و

مهندس مصطفی نریمانی
پاریس

سخنی دربارهٔ شکل‌های دموکراتیک

برای ما ایرانیان، شرایطی که طی آن بتوان مجامع غیرنمایشی را بدون دخالت بیس‌های دلبه‌ز بازداشت، بدون نیاز به ضمانت‌های ناشی از لزوم بازی با بیخ و خم "قانون" و نهایتاً بدون باران سنگ و آجر و گلوله و حضور امت‌مزیبالله تشکیل داد، تا زکی دارد، هر چند در اروپا اینگونه آزادبها متوسط به دورهٔ رنسانس می‌شود.

طبیحاً، مجامع اولیهٔ مهاجرین ایرانی در برخورد اول با این نعمت کم‌گشته در میهن، با یافته در غرب آگاهانه و ناآگاهانه در صدد برآوردن آنها بنوعی از بیخ و خمهای ذهنی شکل گرفته در شرایط نبود این ابتدایی ترین آزادی عبور دهند.

اگر بتوانیم بپذیریم مهاجرت به اروپا را بلافاصله ترکیب پناهندگان ایرانی به دو دورهٔ قبل و بعد از تودای شدن مهاجرین معنی سازمان‌یافتن میهن ایرانی غیر مرتبط با جریانات سیاسی - تقسیم کنیم ورود به موضوع آسانتر خواهد بود.

در مرحله دوم علاوه بر ترکیب پناهندگان، مضمون و گسترهٔ دگر نیازیهای آنان نیز تغییر کرد. اگر در دوران اول رسیدن به نیازیهای مادی و معنوی اشخاص در غرب، تحت‌الشعاع مبارزه برای آزادی، ماهیت رژیم اسلامی ایران در نزد افکار عمومی جهان برای قرار داشت، در دوره بعدی با محو شدن درونی کوتاه مدت غربت‌نشی از افق مهاجرت، نیازیهای مشترک عام‌تری در عرصه دفاع از حقوق پناهندگان و پاسداری هنر و فرهنگ ایران، زمینه ساز گرد آمدن محافل ایرانیان برای پرداختن به این نیازها بود.

در دوران باز تولید اختلافات سیاسی جامعه در این محافل (تشکل‌های دموکراتیک ایرانیان در خارج از کشور) امری طبیعی بود.

آنچه در دوران دوم ثابت ماند و بنا به لولای اتصال دو دوره از حیثات تشکل‌های ایرانیان در خارج از کشور عمل نمود، گرد آمدن تشکل‌ها و فعالین و علاقه‌مندان کارهای دموکراتیک بود. با توجه به شرایط تاریخی - اجتماعی حزبیت و کارهای سازمان یافته تودای سطحانی در ایران، علیرغم افزایش تعداد پناهندگان به مقیاس وسیع در ورودی و همچنان عناصر دارای تجربه در امور جمع و برنامہ ریزی شده صرفاً در صفوف فعالین حال و گذشته سازمانهای سیاسی بودند. برای بی بردن به میزان غیرعادی بودن این پدیده کافی است، توجه کنیم که در کشورهای دارای فرهنگ اجتماعی حزبیت و سازمانهای تودای مثل اروپا و حتی برخی کشورهای آمریکا لاین توده بسیاری از جوانان از سنین پایین به پور انجمن‌ها و نهادهای مختلف جمعی می‌پردازند و فعالین سیاسی و کارکنان احزاب مختلف از میان این عناصر انتخاب می‌شوند. اما در ایران فعالیت اجتماعی بویژه در ده سال اخیر جز معنی کار در سازمانهای سیاسی نبوده است.

بحث بر سر آن بود که در دوران دوم نیز همانند تجربه کار جمعی را داشتند که در دوران اول اما سازمانهای دموکراتیک ایرانی در کار برخورداری از تجربیات مثبت نیروی کاری بی حد و مرز و وابستگانه این نیروها از تا نیرو سوسید کاهاهای انجمنی در بروز و امروز این فعالین هم بر کار تکیه نمایند.

قبل از هر چیز تأثیر یک ویژگی همه گیر سالهای انقلاب قابل مشاهده است. در این دوره هیچ سطحی نهادها و دموکراتیک یعنی شمار کم وجود نداشتند چیزی بنام سازمانهای جوانان، دانشجویان، زنان، دانش‌آموزان و ... که سازمانگیری صفتی - تودای را هدف خود قرار داده باشند نه هرگز برپرو آمد و نسه یک نیروی جدی به صرافت تشکیل آن افتاد.

دروغ نهادهای هواداری در همه سطوح در جنب سازمانهای سیاسی روپیدن گرفت. هر جریان سیاسی خود را موظف می‌یافتند تشکیل برای دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان، نویسندگان و حتی کارگران بپذیرد. که اولاً از هواداران خود جریان مادر تشکیل شده بودند و ثانیاً اهداف اصلی شان تبلیغ مبانی عقیدتی سازمان مادر بود. این نهادها حکم قریظنه‌هایی برای عضوگیری از دنیای خارج بودند. اگر اعلامیه‌هایی در رابطه با مسائل مختلف مبتلابه

دانش‌آموزان، کارگران، زنان و غیره صادر می‌شد برای این بود که نشان داده شود که تا فلان سازمان چقدر بزرگ آنها است تا آنها هم بعنوان قدرشناس صفوف نهاد هواداری بنمایند. حزبی سازمان مادر را برکنند.

در آن دوره هیچ دیدی برای ایجاد سازمانهای واقعی دموکراتیک و صفتی و اتحاد پهای وجود نداشت. سازماندهی توده‌ها و تربیت خودبویه آنها از نظر فرقه‌ها یعنی دیگری جز افزودن بر عرض و طول سازمان حزبی نداشت. این فرقه‌ها بجای دست زدن به تشکیل طبقاتی کارگران و سازماندهی دموکراتیک تودای بنامند، مصلحتین مذهب - سیاسی از مردم دعوت می‌کرد که در سلك مومنان و باور کنندگان به مبانی عقیدتی مقدس این فرقه‌ها درآیند. ایمان باور رسد تا رها شوید. بجای "مشکل شوید تا رها شوید" البته این توهم هنوز هم وجود دارد که می‌توان ملتونها نراهالی را در حزب خود و سازمانهای جنبی هواداری مشکل کرد. نقد اشکال کار در این است که مردم هنوز به نوع این رهبران و مرغوبیت آئین آنان می‌نبرند و این رهبران مواجه با کند - نفسی و ناسیاسی در انتظار روز میمونی که عقابیت نرفشان عیان شده و امت ترشیده برای بیعت روی به سوی آنان گذارد روز شاری می‌کنند.

نیروهای فعال پیش‌گفته در ایجاد و ادامه کاری تشکل‌ها ایرانیان تجربه عملی و دید نظری خود را از چنین ارضایی بر گرفته بودند و بالطبع دید روشن و حتی گاه اعتقاد صوری هم به لزوم سازماندهی پناهندگان حول مسائل بزرگ و کوچک ناشی نداشتند. لذا تشکل‌های بوجود آمده تحت زمامت این نیروها علیرغم فداکاریهای افراد بسیار محدود و هواداران جریانات و بلوکهای سیاسی نراتر نرفت. این شکست‌ها تئوریه هم شد و از جمله گفته شد "در شرایط ایران (۱۲) اول باید سیاسی شد و بعد وارد جبهه‌های دموکراتیک شد". صبر حتر از این نمی‌شود. به واقعیت نهاد هواداری بودن این تشکل‌ها اعتراض نمود.

مدتی است که وجود انبوهی از جریانات تشکلی تاسف‌بار، بحث را در حیطه نظری از پیشینی شکست احتمالی - به "بررسی علل شکست و راه برون رفت" ارتقا داد. ماست - تجربیات گذشته باز بینی می‌شود ولی شرایط جدید کتر پاسخ جدید می‌یابد و هنوز سا به سنگین دگرهای گذشته و درماندگی نظری در یافتن راه‌ها و اصول ناظر بر سازماندهی وسیع ترین انتشار ایرانیان با تلخی احساس می‌شود.

ذهنیتی که با مفاهی چون لزوم پیوند با توده‌ها و حرکت سازمان یافته برای رسیدن به خواسته‌های مادی و معنوی‌هایی توسط خود آنها (نه توسط برگزیدگان و نخبگان به نیابت - از طرف توده‌ها) بیگانه است و دروادی بورولیس، سرگردان - حل جنگ فرقه‌ها بسود فرقه خود است، از این مباحث چیزی جز "توطئه" برای زدن نقب آشتی جویی با ملتزمین رگب فقها نمی‌تواند ببیند.

همینطور رژیمیم آبرو باخته در شرایط ورشکستگی سیاسی حاصل از بزرگترین نجاج خیانتکارانها برای رشد فرقه خود - (جهت رونق بساط از نظر داشتن قربانی کافی برای درگاه ولایت نفیه دیگری) چنگ زد به رسا "تشکل‌های دموکراتیک" را فعلاً. بهترین عرصه می‌داند.

علت گذار از کیفیت برخورد این دو پیش‌نسبت به کارهای دموکراتیک در سالهای بعد از انقلاب (اعلام نهاد هواداری بودن تشکل‌های "دموکراتیک") به وضعیت عمومی (انتخاباتی و اساسی مستعار "دموکراتیک") را نمی‌توان در مطلقاً خود آنها یافت. اما مسئله از چه قرار است و این تغییر چگونه پهل توضیح است؟ واقعیت آنست که در بلوک بورولیس کمیت نیروی هوادار هر یک از فرقه‌ها بنشهای کفاف راه انداختن تشکیلات هواداری مستقل را نمی‌کند و تشکیلات هواداری مشترک چند جریان در حالی که اختلافات داخلی یک جریان با کشتار و سلاح حل می‌شود، فقط می‌تواند به ظهور مهدی موکل شود. لذا در یک دوره پراگماتیستی نیروهای مزبور بدانجا رسیدند که تشکیلات مشترک هواداری را بر بنیاد تنها فعل مشترک قابل اتکای خود (مخالفت با طب تودای) بنا نهند و بعنوان سمبل گرهگشای این بند و بستهای سیاسی و حزبی عنوان تشکل دموکراتیک را هم زینت بخش این حاصل شکنده سازند و

اختلافات سیاسی بکنند که هر تحولی در درون با مابین این جریانات می‌تواند بصورت تنشهای ناگیر حیات آنها مورد مناظره قرار دهد.

در این زمینه شایان دقت آنکه هر جا که نیروهای هوادار یکی از این جریانات بنشهای کفاف راه انداختن "تشکل دموکراتیک" را کرده است، و هواداران دیگر جریانات ویژه همی به حساب نمی‌آیند. ماند بدون آنکه الزام بهم خوردن توافق در دیگر موارد را فراهم آورده باشند. رسا اقدام به تشکیل نهاد هواداری (برابر معمول با اسم مستعار) کرده و آنرا مایلک شخصی خود اعلام کرده‌اند.

به اینصورت که با اندکی سختگیری در پدیده بستن های سیاسی یا حرف را از میدان به در کرده‌اند یا آنها را به تکیه واداشته‌اند. این حادثه خوش بین در ادبیات سازمانی این جریانات اینطور بیان میشود: "برولیس" (بخوان وکلای ادعای اس) بدون دادن امتیاز به خرده بورژوازی رهبری را در دست دارد (۱).

در جبهه‌های دزد و دوستان درون فافله وضع بسا حفظ اساس مشترک عدم اعتقاد به سازماندهی توده‌ها وضع به شوال دیگری است. اختلاف در دو تشکل است. اولاً "کسوس" رسوای فضاقتی که در بارگاه حرم خلالت بالا آمد و بلندتر از آن بعداً در آمده است که عنوان سازمانی حضرت چیزی جز نفرت در مردم برانگیزد. ثانیاً "نیروی خودی" این جبهه اهرچند با توسل به دامن نیروهای بی‌آبروتر از خودشان در اینجا (آنجا) می‌توانند حد شمارت نیروی ایجاد هسته مرکزی مساند بر یک جمع بزرگتر را دست و پا کند. حاصل این دو ویژگی پدید آمدن نهاد هواداری با اتوریته مشترک، نارخ از چار و جنگ‌جالی؛ ناگزیر در نهاد های شاخه نوع اول بانصام کلیه ترند های لازم برای سازمان‌گردن امکانات فراهم شده از این طریق به سوی تشکیلات حزبی است.

بر طبق قاعده در نهاد های نوع اول نمی‌توان از اتوریته واحد و مشترک برخورداری بود. اما در نوع دوم از این نهاد های هواداری فرامین سازمان سیاسی بالمشکل به میشت نبود حرف دیگری (اگر چند سلطنت طلب بی رفق را حرف این افمنی های مارخورده حساب نکنیم) بی هیچ نامی در تمامی تشکل‌های از این دست جاری می‌شود. تصمیم یکفر در مقام سلولیت تشکل‌های خارج از کشور، برادرانه تنها نمای اصلا، بلکه برای زبری این تشکل‌ها نیز غالب است.

سازمانهای سیاسی دسته اول بالضح نمی‌توانند از چنین نمشی در حرم "دموکراتیک" خود برخوردار باشند. لذا با استناد به این ضعف ناخواسته می‌خواهند خالص بودن دموکراسی در واحد های ائتلافی هواداران خود را دلیل بیاورند.

این نیروها سعی دارند بحث بر سر موازین ناظر بر سازمانیایی وسیع ایرانیان را بعنوان جامع‌ترین برای انتخاب متحد حزبی قلمداد کنند و سپس آنچه را که پس خود بعنوان نتیجه این بحث مرمی‌کنند (سازن-سرتکیانه و صفتی باطنی تودای) مورد سؤال و اساس جنجال و شانساز قرار دهند. آنها با نفس تغلیل بحث به بند و بستهای کاسبیکارانه در انتخاب متحد حزبی مخالف نیستند چرا که خود از این نقطه برای دست یابی به وحدت بر تناقض بر سر ایجاد سازمان ائتلافی هواداران عزیمت کرده‌اند. بلکه گران آنها از این است که بحث چران نتیجه مورد نظر آنها را بیرون نمی‌دهد. از نظر آنها هر نتیجه‌گیری دیگری از این جنبشها بیرون از صوب فرمولبندی یک بلوک سیاسی ائتلافی مطابق نسخه اتوریته است که باید است انگست حزب توده را در آن جستجو کرد.

و این در حالی است که بحث نظری در این مسئله صرفاً ناشی از ضرورت دادن امکان تشکل آزادانه و کلک به سازمانیایی وسیع مهاجرین ایرانی در یک فضای دموکراتیک است. و اگر در این میان چند عنصر ضریف راست هم لحکان ورود به جمع را می‌بندد نه بر بنیاد توافق و ائتلاف عملی یا غرض قبلی بلکه ناشی از آن است که اولاً هویت سیاسی و شخصیت فردی از نظر حقوقی و عقوله جدا از هم هستند. (هر چند بلافاصله روانشناختی و دیالکتیکی با طبقاتی می‌توان روابط نزدیکی را بین آن دو سراغ کرد) مثلاً می‌توان با هویت سیاسی

ح - آشنا

تصویر *

* * *

شب ،
حریق صبحدم
شعله های روز
بانگ آشنای دور دست
هق هق گلی نشسته در درون خار
زهر خندیا س
خوشه های شروا رغوان
بشت بیک نور ،
توسن سپاه ،
شیشه می کشد
ردسما و
برتن کبود خاک سرد
در د آشنا ست
او حریق صبحدم را فرو نشاند ،
او ،
او که بی مولد در ذائق ،
ایستاده است !
او که جان ارغوانی شفق ،
هر سپیده می کشد به نیش
با زشب ،
با زحریق صبحدم
ارغوان آبی سپید
با ز در تلاش
بشگرید !
اخگر امید ،

قطره قطره می چکد به ژرفنای شب

خبر هنری

"سیروس ملکوتی" آهنگساز و گیتاریست ، روز بیست و پنجم ماه یونی (جون) ، در شهر فرا نکف سورت کنسرتی برگزار کرد . در این برنامه به با گیتار قطعات "فانتزی ماهی سیاه و کوجولو" که بر اساس داستانی از مذهبهرنگی ساخته شده است و نیز "مرشیدای برای سانا ز" که به یاد دختری خردسال ساخته شده که در حین فرار خانوادهاش از ایران در آبهای خلیج فارس طعمه کوسه شد . . . ، نواخته شد . این قطعات از ساخته های "سیروس ملکوتی" ست .

شروژ

به مناسبت بزرگداشت نهمین سالگرد تأسیس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه - کارگر) ، هواداران سازمان در اسلوب شروژ اقدام به برگزاری جشنی نمودند که با استقبال گروهی از هموطنان عزیز و فعالین سا برینبروهای سیاسی روبرو گردید . این برنامه شامل تاریخچه سازمان ، سخنرانی بهرامون برنامها زمان ، موسیقی بود . برنامه با اجرای سرود انترنا سیونال خاتمه یافت .

از فراماسوترها متهم می گردند اما تاریخ بجای آنکه نامی از اتهام زندگان باو باف برده باشد ، امروز از خرد مندی و ترسانگی گرامشی حکایت دارد و حتی دشمنان گرامشی هم نمی توانند دفاع مافاته او از آزادی و دمکراسی و ستیز هشیارانه اس با فانیسم موسولینی را منکر شوند .

نقی لیبرالیسم بورژوازی تنها از دیدگاه دفاع از دیکتاتوری اکثریت جامعه می تواند مورد دفاع پرولتاریا باشد نه از موضع استبداد شرقی ، چرا که اولی علاوه بر حفظ و تمسوق آزادیها ن سیاسی بنیادی یعنی آزادی عقیده ، بیان ، مطبوعات ، اجتماعات ، انصافات و تشکل بدون نید و شرط برای تمام شهروندان مسی خواستند بر خلاف دموکراسی بورژوازی صرفا به این تمسین اکتفا نکرده و شرایط و امکانات بهره مندی واقعی از این آزادیها را نیز برای تمام شهروندان جامعه فراهم سازد . در صورتی که نقی لیبرالیسم بورژوازی از دیدگاه استبداد شرقی می خواهد دمکراسی بورژوازی را به حوزه "مسلمانان" یا احزاب خلقی محدود کند .

برای برینها این اصل که هر نوع دمکراسی دارای مضمون طبقاتی و بزای است به این معنی هم هست که کویا کویستنها فقط برای دمکراسی پرولتاری می جنگند و دموکراسی بورژوازی ربطی به پرولتاریا ندارد . در صورتی که در جوامعی مثل ایران بخش اعظم بار دموکراسی بورژوازی نیز بر شانه های پرولتاریا کشیده می شود .

از طرف دیگر در تشکل های موضوع بحث نونه حاضر حتی بفرس کمال نیدن رادیکال ترین اهداف و برنامه های عیلسی نمی توان کوچکترین کامی وری دمکراسی بورژوازی برداشت . مستتر از همه اینها اینکه مضمون طبقاتی بورژوازی یا هر مضمون خوب و بد دیگر در اینگونه تشکل ها و هر سازمان سیاسی یا صنفی نه به باورهای سیاسی عقیدتی حال ر گذشته افراد عضو و شخصیت فردی آنها نه به مواد مربوط به شرایط عضویت و حتی خاستگاه طبقاتی اعضا مربوط نمی شود (و تنها و تنها برنامه و پلانهم عملی آن حزب یا هر سازمان دیگر است که حضور ن طبقاتی و ماهیت عملکرد آن جریان را تعیین می کند . و از همین رو است که تمام احزاب سیاسی شرط اصلی عضویت را عمل به برنامه قرار می دهند . و مثلا یک کنش بدون توجه به اعتقادات مذهبی و یا تعلقات طبقاتی و سابق سیاسی خود فقط و فقط به شرط قبول برنامه یک حزب کویست و عمل در راه تحقق آن می تواند به عضویت آن حزب در آید . به بیان دیگر حتی یک حزب سیاسی و سازمانی است از مبارزین راه تحقق آن نه از معتقدان آن . و نه حتی انقلابی بودن می تواند پیش شرط عضویت باشد . چرا که عمل به برنامه انقلابی می توان انقلاب بود و نه مقدم بر آن . خلاصه کنیم : تشکلهای دموکراتیک مقوله جدید و تجربی نند ما ی است که مراحل ابتدایی برتیک خود را می گذرانند . امروز که شکست این تشکلهای در سازماندهی خود بریه ایرانیان خارج کشور امری روشن و خالی از بحث تلقی می شود و هنوز مورد موفق ترو معیار موثقت توانایی جذب تعداد بیشتری از هواداران نیروهای سیاسی به حساب می آید ، برداختن به ریشه های این شکست و دامن زدن به مباحثات بیرومونی این بریده ، نه تنها می تواند راه خروج از بن بست کویست را بنماید بلکه از نقطه نظر شکل گیری بین المللی اصولی برای تعیین ااسده ، تشکل طبوئی مردم در سازمانهای تودای با بیش معتقد به تشکل مردم در طرفتاری بی نهایت کوچک و محدود نهاد های هواداری ترقه های آید بولویزیک درای اهمیت حیاتی است . از آنجایی که تشکلهای دموکراتیک کویست نمایان خود را

از میان نهاد های هواداری سازمانهای حیاپی در سالیهای بعد از انقلاب برگزیده است ، هنوز نتوانسته است تکلیف خود را با اید برای تشکلهای هواداری بجای سازد . همی دمکراتیک مردم حول مسائل خودشان ، تعیین کند . هرگونه دفاع از دمکراسی و پیش کشیدن لزیم سازمانیایی وسیع ترین لایه های اهالی برای رسیدن به خواسته ها و نیازهای مشترکشان نمی تواند بعنوان دفاع ضمنی از جریان سیاسی معینی تلقی شود . دفاع از حق داشتن وکیل و دادگاه (بعنوان حقوق دمکراتیک) برای جنایتکاران ، یعنی دفاع از جنایت یا جنایتکاران نیست و برعکس درین برده ، زدن اتهام دفاع از جنایت به مدافعان دمکراسی ، باید افراض ضد دمکراتیکت نفس کشندگان حقوق دمکراتیک انسانها و جنایتکاران را باز شناخت که با توسل به مورد نفرت عامه بودن جنایت می خواهند سرپوشی برای سرکوب آزادی و نقض حقوق دمکراتیک مردم دست و پا کنند . می آید بازهم بهترین شرایط آن است که به جنایتکاران امکان می دهد تا پرچم دفاع از حقوق دمکراتیک شهروندان را به دوش بگیرد ! این بیجیدگی ظاهری مسئله است که برای قریب افراد در بیرویه یک استدلال عوامانه مورد استفاده قرار می گیرد .

بسیگان نزد یک خود تضای آشتی ناپذیری داشت و در همین حال شخصییت فردی شفته آنها بود عضویت در یک جمع دمکراتیک هم آن کنش از یک رابطه جمعی است که طی آن افراد با شخصیت فردی خود بشرط الزام عیلسی به میان برنامه جمعی میور در ارتباط با همدیگر قرار بگیرند .

اما باز ممکن است مطرح شود که اعتقاد صوری و حتی گاه عمل به برنامه می تواند با ایمان قلبی افراد متفاوت باشد . بخصوص اگر این افراد دارای سابقه روشنی نیستند . از اینگونه دوستان باید انتظار داشت که لااقل به اندازه شریعت ۱۴ قرن پیش وسعت نظر بخرن دهند . که با وجودی که مذهب اساسا بسا دنیای دینی و تاملات روحانی انسانها سرکار دارد و باور بدون ایمان قلبی را باطل می شمارد ، برای تضایت دستگاه عدل این جهانی خود بیان لفظ عبارت در جمعی ("شهادتین") را کافی می شمارد و حتی بعنوان یک اصل قبول دارد که "شرع به ظاهر حکم کند" . توجه می کنید که چگونه الزامات بر اگانتیست و مگانتیسمی اجزایی ، حتی لزوم چشم پوشی از اصل مسلم در بنیان نظری مذهب (ایمان قلبی) در این دنیا را به پانیا نست و شریعت تحمیل کرده است . در موض مورد بحث هم نحوه اجزای کار گذاردن مادی که طرفداران جریان سیاسی معینی را از روی به جامع دمکراتیک منسج کند ، می تواند اهدیتی هم ارز با اصول داشته باشد .

چنانکه تجربه تا کنونی هم گواه است ، ما با بازی عیلسی وجود مرزهای عقیدتی از قبیل موضوع بحث حاضر ، چیزی جز را ماندن ختن دستگاه تفکیش عقاید و خبر گیری و پروند سازی به انضمام یک دستگاه جیرلسنی با ابزارهای فیراحلاتی تهدید به شاننازه و ایضا نیست . بریده های که از دیدگاه عادی ترین نرها و رایج جامعه ، مذموم و وهن آورند .

مطرح می شود که حداقل این نید و بندها موجب تقویت طیف راست می شود . این بریده زمانی می تواند که این نیروها بعنوان قربانیان جفاقی کنسی و زورگویی از سوی متکران اصل آزادی و دمکراسی تحت فشار بوده و توانسته باشند خود را بعنوان اکثریتیاو متقابل تنگ نظری وی بر سبسی مطرح کنند . در این صورت ، اینکه باز به علیه زورگویی و جفاقی کنسی نمی تواند عاملان و قربانیان این بریده های حکوم را به بیانان لوزم مواخذ قرار دهد ، نمی تواند گاهی را متوجه معتقدان دمکراسی بکند . تنها در شرایط کارگر عقیمانده ترین و کوتاه بین ترین دشمنان آزادی است که بخین دیگری از همین قلم خاندان آزادی فرصت می یابند تا از موضع مظلولیت و برقوقیت دستگاههای آزادی گن و دموکراسی ستهز خود را تبلیغ بکنند . درست مثل محافل سلطنت طلب که بعد از ۵۰ سال معاری فونداسیون حکومت ، نقبا امروز طرفدار "آزادی" شده اند . با حزب توده و شرکاء که در اصل متکرانواع بدیع بر خورده های پلیس با نه ، پرونده سازی و رانداختن سیستم خبر جینی ، تجسس در روبرو شخص افراد و شاننازه و . . . است (از جمله نوشته با فرموش بیسنام "مردی تنها" در یکی از شماره های "النبی" در این زمینه روشنگر است با زدن اتهاماتی از قبیل "سیا ساخته" ، "تجیه" ، "برک" ، "آمرکایی" ، "ساراکوی و . . . به نیروهای دیگر ، احسان این جریان خیانت پیشه با این اوصاف جلی و قتی نتواند دست بالا را در اعمال تصبیق و اتهام زنی داشته باشد علم دفاع از دمکراسی را بر خود حساب می کند .

اما وظیفه تنگری که دمکراسی و آزادی را از بنیابسی برانقب مقدم تر از مبره های قابل برد و باخت در بازه های سیاسی می انگارد چیست ؟ آیا در صورتی که سلطنت طلبها و طیف راست و بدتر از آنها در نبود آزادی نمی ضرر باشند در دفاع از این روشها باید تردید بخود راه داد ؟ بیگمان نه ، می بایست با شهادت آزادی بی قید و شرط برای همه دفاع کرد و این جریان را به موضع واقعی شان به عقب راند . اگر شهادت دفاع از آزادی بی قید و شرط حتی برات مخالفان خود شهادت باشد ، بشم مردم به حق به آزادی طلبی با وقعی نخواهند نهاد . از همین رو مارکس در یک نیم قرن پیش با منع روزنامه ام اریجایی جون "البرتلدرز اپتوگ" مخالفت می کرد چرا که بقول خودش "موضع ما از لحاظ حقوقی ، بستگی به ماهیت اخلاقی موارد مشخص ندارد چه رسد به نظرات سیاسی و مذهبی آنها" . بر همین اساس بود که وقتی موسولینی از گرامشی خواست تا فرآکسیون حزب کویست در پارلمان ایتالیا به گذراندن لایحه ای علیه فراماسوترها موافقت کند با مخالفت ناظمانه گرامشی روبرو شد . می شک آتیوق هم بودند کسانی که گرامشی را به دفاع

سازمان اکثریت

همچون يك نماد سياسي

ادامه از صفحه ۷

به سوی برپائی سمینا ر

سمینا را برطبق همان برنامه‌ای که روز اول از زبان کانون میزبان، اعلام شده بود ادامه دهند. یا حداقل قرارهایی برای سازماندهی یک اقدام سراسری علیه جنگ بمبنا سبت نزدیک شدن سالگرد آن وهمینطور فراهم کردن مقدماتی برای بگوشته فعالیت برای دفاع از "مردودین" تدارک کنند. البته اعلام آمادگی کانون اشتوگارت بسیاری میزبانی سمینا ر پنجم بسیار مثبت بود و باید پیگیری نه و به سرعت آنرا تدارک دید. اما سمینا ر هامبورگ در برابر اشاعه کمی غافلگیر شد. اشتقا دیدگری که به کانونهای اصولی وارد است اینست که در روند بین سمینا ر، با یکدیگر خوب هماهنگ نگردند. وهنگامیکه پلاتفرم دمکراتیک از طرف برخی کانونها، مطرح شد، بخاطر اشتقاق جزئی به این کار با به ازای دادن امتناع کردند. مثلاً دیدگاهی که میگفت: "فعالیت باید حول نیازهای مبرم پناهندگان باشد و جنبش پناهندگان یک جنبش همگانی است که برای متحد کردن آن با دیدن نقاط مشترک پناهندگان دست گذاشت و پلاتفرمشان پیشنهاد دینکرد که ۱- مبارزه علیه جمهوری اسلامی و افشای آن بعنوان عامل اصلی پناهندگی، ۲- مبارزه عمومی جهت پذیرش تقاضای پناهندگی و دفاع از حقوق پناهندگان در سراسر جهان، ۳- مبارزه برای رفع موانع موجود برای ورود پناهندگان به کشورهایمان، ۴- حمایت از پناهندگان ترکیه و پناهندگان ۵- مبارزه علیه استرداد پناهندگان، ۶- دامن زدن به مبارزه علیه جنگ، ۷- مبارزه برای بهبود زندگی پناهندگان، ۸- گسترش همکاری های فرهنگی بین کانونها، ۹- جلب موثر همکاری سازمانها و نیروهای مترقی، میتوانست مورد موافقت قرار گیرد، و بعنوان کارپا به تشبیه شود. سپس و در آینده اصلاحات جزئی به آن افزوده شود. اکنون در شرایط تازه، مبارزه دوخط مشی یا دشده در شکلی دیگر ادامه خواهد یافت. تردیدی نیست، کانونهای منشعب بخاطر جوهر رکتاریستی که حمل می کنند پس از مدتی اشعاب تازه ای را در درون خود می پرورند. اگرچه ممکن است بسیاری مدتی تحت تاثیر حس رقابت جوئی به اقدامات پرسرو صدا و تبلیغی متوسل شوند، ما باید اولاً استکاء بر همان کارپایه ای که بخشا در پلاکتر شد به کار سازمان نگران در میان مهاجرین بپردازیم. ثانیاً، در برابر منشعبین موضع گیری کنیم و محتوای سیاسی اشعاب آنها را مورد نقد قرار دهیم. ثالثاً، خط اصولی را با مباحث جمعی و تشکیل سمینا رها عمق بدهیم و توجه داشته باشیم که کانونهای پیرو خط اصولی علیرغم پابندی نظری به اصول کارشده ای، هنوز در عمل خوب کار نمیکنند و پاپه محکمی در میان پناهندگان ندارند. رابعاً، از هم اکنون با پدیسینا ر پنجم را تدارک دید و از همه کانونهای پناهندگی خواست اعلام آمادگی کنند

نشده و بلافاصله پس از پلنوم دی ماه کمیته مرکزی حزب توده که با ردیگرافسنا استعفا له رژیم و ضرورت تشکیل جبهه صلح و آزادی را مطرح می کند، دفتر سیاسی اکثریت نیز با یک با صلاح تحلیل از "وضع سیاسی ایران و جهان" و "بررسی عمده ترین روندهای جاری کشور" با او به زیر این پرچم صف می کشد. ما هیت و مشخصه نماد سیاسی آنست که به مردم و پاپه اجتماعی خود حساب پس نمی دهد و اسامی منافع خاص درون کشور به حرکت او جهت نمی دهد. به همین علت است که رهبری اکثریت در میان کیچی و سردرگمی وسیع نیروهای خود تلاشهای گسترده برای خروج از بحران خیانت های گذشته صورت می گیرد. آنهم در شرایطی که چشم اندازهای یک انقلاب دیگر در افق کشورمان نمایان می شود، بی اعتنائی می کند و سر خود را طرف دیگری میگرداند. بنابراین اگر این حقیقت در مورد سازمان اکثریت دریا فته نشود نمیتوان از این سوختنجات یافت که این رهبری اصلاح پذیر است و در شرایط امروز کسی که میخواهد حقیقت را در پناهدبا بد سوال کند که آیا "عمده ترین روندهای جاری در کشور" اوج گیری جنبش مطالباتی کارگران و زحمتکشان، رودررویی فزاینده قشار مردم با رژیم، شکاف غیر قابل جبران در ارکان حکومت فقها، بن بست ها و شکست های پی در پی در جنگ، فلاکت غیر قابل تحمل اقتصادی و فروپاشی آموزش و پرورش جاری مردم و در یک کلام نزدیک شدن طوفان انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی و بنا بر این ضرورت آمادگی برای هدایت این انقلاب است یا تشکیل جبهه صلح و آزادی" با جناحهای دوراندیش و قدرتمند رژیم. خاطرمان هست که زمان (در پلنوم سال ۶۵) رهبری اکثریت از این اشتوا نشسته بود در راههای گذشته تحلیل درستی از "روند وضع کشور به عمل آوردند با صلاح از خود انتقاد کرد و راست روی در این حوزه را پذیرفت، اما اکنون که حتی از دیدناترین و کم تجربه ترین نوآموزان سیاسی، عمده ترین روندهای جاری "در کشور در جهت فروپاشی ارکان جمهوری اسلامی سیر می کند و همه مردم انتظار تحولات بزرگ و انقلابی هستند و سازمان انقلابی بویژه کمونیست ها در تدارک سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می کوشند رهبری سازمان اکثریت با زهم برخلاف سیر واقعی "روندهای عمده" جاری "در کشور به این نتیجه درخشان می رسد که جمهوری اسلامی نباید سرنگون شود. روشن است، جبهه صلح و آزادی برای "خودداری از تنش فزایشی در عرصه بین المللی" و "عمل کردن در این گستره همانند انسانهای با فرهنگ و متعهد" (نامه مردم شماره ۱۹۳ گزارش هیات سیاسی صفحه ۲) است.

ما قبلاً توضیح داده ایم که حزب توده در کشورمان اساساً به یک نماد سیاسی مطرح است تا بعنوان یک حزب سیاسی متعارف، ومعنای این نماد سیاسی را به مختصرترین شکل اینطور تعریف کرده ایم: ترجمه دیپلماتیک اتحاد شوروی به زبان فارسی. (راهکارگزشتوریک شماره ۱ ص ۵۹). از این رو اصلاح برای ما تعجب آور نیست که این حزب پس از قبول رها کارانه شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و مدتی سخن گفتن با کلمات با صلاح خودشان سرخ، در پلنوم نوزدهم شان با طرح شعار "جبهه صلح و آزادی" به جای اول خود بازمی گردد. با روشن شدن سمت و سوی سیاست "نگرش نوین" در سیاست خارجی اتحاد شوروی یعنی الویت یافتن منافع بشری بر مابزه طبقاتی در شرایط وجود جنگ افزارهای نابودی جمعی شعار سرنگونی نیز که همچون استخوان لای زخم در سال سیستم فرمیتی حزب توده را مختل ساخته بود می بایست تکلیفش روشن میشد، ووظائف واقعی حزب با هویتش همساز می گشت. براساسی هم ترجمه "فارسی" الویت مساثل با غفلت همه بشری برنامه بود ساری بیوغ طبقاتی، "تامین راه مسالمت آمیز برای دگرگونی های اجتماعی در شرایط دمکراسی پیوسته رشدیابنده" و "مبارزه برای رشد مترقی و دمکراتیک در شرایط سرمایه داری در کشورهای رشدیابنده" (از سخنرانی آنها توی روزیوربینین در جلسه مشورتی هیئت تحریریه مجله مساثل صلح و سوسیالیسم مندرج در نامه مردم شماره ۲۰۴) در شرایط کنونی ایران چیزی جز جبهه وسیع صلح و آزادی پیشنهادی حزب توده یعنی "راه رشد مدل ۸۸" و "آزاده خراج شدن راه رشد غیر سرمایه داری کذاشی و جبهه متحد خلق آن نخواهد بود.

اما منظور ما از بر ملا ختن ما هیت واقعی شعار جبهه "صلح و آزادی" پیشنهادی حزب توده، افشای حزب توده نیست، چرا که این حزب با یک پیشینه طولانی خیانت و استقلال رای بی نیای از افشاست. مسئله سازمان اکثریت است که همچنان به تاسی از الگوهای نظری حزب توده قالب های یک نماد سیاسی را بخود می گیرد. و این هنوز در سایر بسیاری از نیروهای متوهم بین سازمان نمیکنند، و به این علت با خوش خیالی، بدتنبال راه علاج بیماری هستند که لاعلاج است. روح نماد سیاسی که از سالها پیش در جسم این سازمان حلول کرده و رها نخواهد کرد. به تجربه ما لهای نزدیک نگاه کنید، حتی ضرب سخت چوب بحران که بر این جسم وارد می شود، ذره ای این روح را جابجا نکرده، چه رسد به اینکه آنرا از این جسم جدا کند. این غیبط و این رهبری با یکدیگر عجین شده اند. آیا تمادفی است که هنوز مرکب تسمیمات پلنوم مهرماه ۶۶

اجلاس ۷ کشور امپریالیستی در کانادا

چهاردهمین اجلاس سالانه سران هفت کشور سرما یه داری پیشرفته، آمریکا، ژاپن، کانادا، ایستالیا، فرانسه، انگلستان و آلمان در تورنتو (کانادا) برگزار شد، این نشست ها که به ابتکار والری زیسکا ردهستن رئیس جمهور وقت فرانسه بوجود آمدند، حکمیک مرکز تبادل نظرو تصمیم گیری برسر مسائل اقتصادی و سیاسی مبرم پیشروی جهان امپریالیسم را پیدا کرده اند. اگر پیدایش آن، همزمان با بحران ارزی ناشی از انفویسک جانیبه "خلعت تسعیر پذیری دلار به طلا" از جانب آمریکا و با آغاز اولین بحران تصمیمیافته پس از جنگ دوم در کشورهای سرما یه داری همراه بود، امروز پس از نزدیک به یک دهه و نیم، جهان سرما یه سعی می کند تا هر چه بیشتر از عوارض ناشی از دومی بحران سراسری و شدید پس از جنگ جهانی دوم جان سالم بدربرد، اما اگر در آغاز این نشست ها حقیقتا به مرکز تبادل نظر برسد شواریهای اقتصادی پیشا روی آنها و مشکلات ناشی از تغییر تناسب قوا در خود جهان سرما یه (میان ایالات متحده آمریکا از یک سو و ژاپن و اروپا از سوی دیگر) شیبه بود، بتدریج خلعت سیاسی آشکاری به این نشست ها داده شد تا بدانجا که اختلاف نظر بر سر بعضی مسائل حاد سیاسی در کشورهای حوزه نفوذ این یا آن قطب امپریالیستی در این جلسات حل و فصل می شود. بدین ترتیب اگر "نا تو" سازمان نظامی اتحادیه امپریالیستی است، این جلسات سالانه، حکم ستاد مرکزی سیاسی - اقتصادی جهان امپریالیسم را پیدا کرده است و بهتر از هر جای دیگر می شود اختلافات میان آنها و با زتاب توان نسبی هریک از کشورهای امپریالیستی در محنته سیاست جهانی را در آنجا دید، بدین لحاظ اجلاس تورنتو را باید به رسمیت شناختن ژاپن بعنوان یک غول سیاسی و افول نسبی آمریکا نامید. آمریکا یکی که با انتخاب ریگان تدارک یک تنها جم جدی برای احیای "امپراطوری آمریکا" را کرده بود، با سربهدیوار خورد و این بار بر همه آشکار شده بحران همزونی در جهان امپریالیسم یک واقعیت است. روشن شده که افول نقش مطلقه آمریکا در جهان امپریالیسم را دیگر می باید به معنای به یک داده قطعی محاسبات سیاسی اردوگاه سرما یه در نظر گرفت. آمریکا هنوز سر کرده جهان امپریالیسم است اما این دیگر بمعنای توانا ناشی او در تحمیل سیاست های دلخواه محافل امپریالیسم آمریکا در موارد مورد اختلاف نیست، او می تواند با زی دیگران را بر هم زند اما قادر نیست با زی خود را آنطور که در دهه های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ پیش می برد، ادا مدهد. جهان امپریالیسم امروزه قطبهاست: آمریکا شمالی، ژاپن و اروپا، در این میان بویژه ژاپن به معنای سر کرده منطلقه آسیای جنوب شرقی خودنما می کند. دومین قدرت صنعتی جهان، ولین ما در کنن شده سرما یه و بزرگترین اقتصاد دما در کنن شده جهان را می-

با بست به معنای با ب تا بیاون، کره جنوبی، سنگا پور و مالزی در نظر گرفت، نقش ژاپنی ها در جهش به جلوی این کشورهای تازه صنعتی شده به این امپریالیسم نقش تعیین کننده ای در حیات اقتصادی این کشورها داده است. ژاپنی ها، آگاه از نفوذ قدرتمند خود، با طرح مسائلی که بطور مستقیم به این منطقه مربوط می شد، نظیر احترام از جنگ تجاری، لزوم کمک به "دمکراسی" های ایمن منطقه (فیلیپین، تایلند و...)، برجسته کردن نقش "تهدید شورویها" در این حوزه، مسئله کا میج و روابط با چین، اهمیت این منطقه و لزوم حمایت عمومی از کشورهای سرما یه داری آسیای شرقی را در متن قطعنامه های پایانی کنفرانس برجسته کردند. این یک پیروزی مهم برای دیپلماسی ژاپن بحساب می آید. تا کنون ژاپنیها زیر ضرب حملات آمریکا می و تا حدودی اروپا شیبه، همواره بر سر سکوی متهمین و در وضعیت دفاعی بودند تا بدانجا که آمریکا، از زبان ریگان، برای آنها نه تنها خط و نشان می کشید بلکه "ستورا العمل" سراسری "رعایت قواعد با زی" در متن قطعنامه های گنجانده بود. بویژه دو کنفرانس پیشین از این لحاظ بسیار برجسته بود. کنفرانسها می کشید که آمریکا شیبه شدت به ژاپن و آلمان حمله کرده بودند، اما با اقول ستاره ریگان و تضعیف جدی "راست نویسن" در آمریکا، اما سال از این تهدیدات خبری نبود. ژاپن ستاره اجلاس تورنتو بود و تقریباً در همه موارد خواسته خود را پیش برد.

از طرف دیگر، اروپا شیبه حتی المقدور سعی کردند تا با در نظر گرفتن چشم انداز "اروپای متحد" در سال ۱۹۹۲، خود را جمع و جور کرده و حقیقتا به معنای یک قطب همگن و متجانس عمل کنند. اما واقعیت قدرت فزاینده آلمان و ایستالیا و افول محسوس انگلستان و فرانسه مانع از این امر نبود. در واقع اروپا شیبه با یک پلاتفرم مشترک "به ایمن اجلاس نرفته بودند و جز در خطوط بسیار کلی در مورد مسائل مربوط به خلق سلاح و نیز محمولات کشتاوری (دفاع از آسیا ست کشتاوری با زار مشترک) - صرف مشترکی برای زدن ندا شدند، تازه در این موارد نیز همه از اختلاف نظرات آشکار میان چهار رکن شور اروپا می چه در مورد خلق سلاح (انگلستان و فرانسه در مقابل دیگران) و چه مورد سیاست کشتاوری (انگلستان و آلمان در مقابل هم) با خبر بودند و این برفضای کنفرانس سایه انداخته بود. اما بهر حال با یدخا طرف نشان شد، که برخلاف اجلاس گذشته نقش تکرار شده امپریالیسم انگلیس بسیار برجسته بود، اروپا این بار نسبتا متحد عمل کرد و از "جفت اندازی" های تا چرخیری نبود. این امر نشان می دهد که امپریالیسم اروپا می از قدرت رقیب کهن، آمریکا و رقیب نوین بسیار بر قدرت، ژاپن و قمارش، بخوبی آگاه است. به قول کی سینجر، در چشم انداز آغاز قرن بیست و یکم، اروپای غربی یا یک کل بهم

پهوسته و منسجم است و با در محاسبات بین امپریالیستها یک نیروی بکلی فرعی خواهد بود. امپریالیستها مختلف اروپا می در اجلاس تورنتو "تمرین اتحاد" کردند.

قطعنامه های پایانی کنفرانس چیز مهمی برای گفتن ندارند. ممالحه بر سر اختلافات حادث تجاری و بویژه مسائل مربوط به سوبسید محمولات کشتاوری به کمیسیون های ویژه ارجاع شده و همان قواعد پیشین، (و در نتیجه درگیریهای مقطعی و محدود) قانون کا میج خواهد بود. طرفین از برخورد شدید بر سر این معضل که در تمام این کشورها صف بندیهای متخاصمی را موجب شده، خودداری کردند. اسرار و فاداری موری به رعایت قواعد "با زار آزاد" از جانب همه جان کلام این ممالحه است. در مورد مسائل سیاسی، حمایت از قرار ادا خیر حذف موشکهای میان برد جای ویژه ادا رد. حاضرین در کنفرانس ضمن حمایت از آن از سیاستهای اخیر رهبری شوروی و تغییر روش آن در مسائل مربوط به "درگیریهای منطقه ای" تجلیل کرد، اما آن را منوط به تحقق پیشرفت های عملی مشخص کرده اند. امپریالیستها در این مناسبت (بویژه در کا میج) عامل مهمی در این تلاش امپریالیستها برای "حسل مسالمت آمیز" بوده است. آنها سعی می کنند تا با افزایش فشار دیپلماتیک و بهره گیری از "تفکر نوین" در دیپلماسی شوروی، دول و نیروهای انقلابی را وادار به دادن امتیازات بیشتری بکنند. اما همطور که روند واقع اخیر در آنکولانشان می دهد، انقلابیون هشیا رتر از آنند که از ایمن حقیقت غافل شوند که در نبرد با امپریالیسم و متحدین آن، مشکل را تنها نیروی حل می کند و از اینرو ادا مهنبرد انقلابی، ضمن مذاکره، تنها راه حفظ دستاوردهای انقلاب و یویولیسیم است.

در مورد جنگ ایران و عراق، قطعنامه مجدد لزوم اجرای قطعنامه زمان ملل در خصوص آتش بس فوری را یادآوری می کند اما هیچ پیشنهاد ویژه ای برای خروج از بن بست دیپلماتیک حاکم بر این قطعنامه ندارد. برخلاف اطلاعیه های پیشین امپریالیستی که در آنها یک سری اقدامات مشخص از طریق و در کنار، زمان ملل و با تکیه بر نیروی نظامی عظیم مستقر در منطقه، برای تحمیل آتش بس به جمهوری اسلامی ایران، پیش بینی شده بودند، این بار قطعنامه فاقد هر نکته عملی مشخص است. بنظر می رسد که امپریالیستها ترجیح می دهند تا کار تمامهای محرمانه خود را مقامات رژیم خمینی را پیش ببرند و در شرایطی که ایران برای "بعد از خمینی" آماده می شود، هر چه بیشتر مرما مله با جناحها و ایجا دپا به نفوذی خود، قانون حاکم بر



اجلاس ۷ کشور امپریالیستی در کانادا

روابط امپریالیستی و رژیم ایران شده است. حتی در بخش مربوط به محکوم کردن تروریسم بین المللی و گروگان گیری، به رژیم خمینی برخورد ویژه ای نشده است. تجدید روابط با فرانسه، انجام مذاکره گسترده و پیگیری میان انگلستان و آمریکا با ایران، همه در همین راستا معنای خود را بسیار می یابد. قطعاً ماه اجلاس از آشفته کردن آنها خودداری کرده است.

در خاتمه با یدبه پیشنهادها و فرانسویها، که از جانب مطبوعات بورژوازی این کشور "تنها ابتکار واقعی" نام گرفته است، برخورد کرد. فرانسه و میتران در این اجلاس پیشنهادها را رد کرده امپریالیستی در جهت کمک به کشورهای عقب مانده ای که بدهی های هنگفتی به کشورهای امپریالیستی دارند، برای آنها "تخفیفات" ویژه ای قائل شود، مدنظر میتران عمدتاً کشورهای آفریقا می باشد. این حوزه نفوذ سنتی امپریالیسم فرانسه بود. پس از مباحثات، تخفیفی معادل ۵۰۰ میلیون دلار برای این کشورها در نظر گرفته شد! حقیقتاً که در موضوعات مربوط به پول جانی برای نازکدلسی نیست! حجم بدهکاری کل کشورهای تحت سلطه به بیش از هزار میلیارد دلار بالغ می شود آنگاه امپریالیستها به بخشی از بدهکاران، یک تخفیف ۵۰۰ میلیونی میدهند! اما هشدار که این "تخفیف" بی قید و شرط هم نیست و در عین حال شکل صریح بدهی را نیز ندارد، بدین ترتیب که از یک طرف کشورهای "مورد لطف" میبایست اولاً بطور معمول بیش از ۳۰ درصد درآمدها را برای خود را مصروف برداشت بدهی و بهره آن کرده باشند تا نیاید درآمدهای کمتر از ۲۲۵ دلار داشته باشند و ثالثاً برنامهم "ریاضت اقتصادی" نسخه پیچ صندوق بین المللی پول و یا بانک جهانی را به مرحله اجرا درآورده باشند. در صورت وجود این سه شرط، کشورهای امپریالیستی به یکی از "اشکال سه گانه"، بخشش، کاهش نرخ بهره و تجدید سهم بندی پرداخت، در حق بدهکاران "تخفیف" قائل می شوند! واقعاً که کوه موش زاید، وقتی آدم نتایج فاجعه بار و شورش های آینده گرسنگان در اثر اجرای سیاستهای صندوق بین المللی پول و خروج مداوم سرمایه، به شکل ربا، در این کشورها را بنیاد می آورد، آنوقت متوجه حقاقت این "ابتکار فرانسوی" می شود. راه چاره این بدهی ها جز قطع پرداخت تمام و کمال آنها نیست و این گونه بخششهای امپریالیستی ربا خواران به دردتسلیمات روزنامه های بورژوازی می خورد.

با آن مواجها ندوچه آنها نکه در این رهگذرا سیر سودهای سرمایه ها و سرما بداران هستند که پایه های رژیم خمینی را محکمتر می کنند. و درست در این راستاست که هر روز خبر مرگ جانگدا زحمتکشانی را می شنویم که تنها بدین علت به هلاکت می رسند که کارفرما حاضر نیست حتی کوچکترین وسیله ایمنی را برای حفظ جانشان در روزهای آشفته کند. هر روز اگر صفحات روزنامه ها را بگردیم از این نمونه ها فراوان به چشم می خورد. برای نمونه به چند خبر تنها در عرض یک هفته اشاره می کنیم با احتساب این نکته که این اخبار فقط شامل آندسته از حوادثی اند که در روزنامه ها چاپ شده و در واقع هر روزها خبر از این نوع درمناطسب دورافتاده و شهرستانهای کوچک اتفاق می افتد که هیچوقت در روزنامه منعکس نمی گردند.

مرگ ۸ کارگر کارخانه قند شیروان:

"۸ تن از کارگران کارخانه قند شیروان بر اثر کارگزاران با خشنود ۲۸ تن دیگر مسموم شدند. به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی... کارگزاران ناشی از تخلیه آب گندیده ای بودند است که در لوله های کارخانه زمل بهره برداری سال گذشته باقی مانده بود با تخلیه می شده است. در پی تخلیه این آب گندیده... گازهای SO₂ و SO₃ با یکدیگر ترکیب شده و این مسمومیت را به وجود آورده است." (کیهان ۳۱ خرداد ۶۷).

سمینار ساخت دست و پایی مصنوعی

روزی نیست که خبر برگزاری یک سمینار در ایران نشنویم. هر روز حول هر بهانه ای سمیناری برپا می شود. این مسئله آنقدر با دوسویی یافته است که حتی اعتراض بسیاری از سردمداران رژیم را برانگیخته است. چرا که برای هر سمینار مقدار زیادی خرج می کنند و تازه مجبورند برای تبلیغات تعدادی از کشورهای دیگر نیز دعوت کنند تا به آن واژه "بین المللی" را اضافه نمایند. جدیدترین این سمینارها، سمیناری است که اخیراً در شرف تشکیل است و اعلامیه های آن مزین برصفحات روزنامه های کشور، سمینار جدید است که با زمان "پژوهش های علمی و صنعتی" برگزار می گردد و نام آن "سمینار ساخت دست و پا مصنوعی بدن" می باشد. این سمینار نیز در راستای شعار محوری رژیم یعنی "همه چیز برای جنگ" برگزار می شود و هدف آن ساختن دست و پا و دیگر قطعات اندام انسانها می است که عضوی از بدن خویش را در راه سیراب کردن عطن جگی که سران رژیم به آن مبتلا گشته اند، از دست داده اند.

رای اعتماد به میرحسین موسوی

روز پنجشنبه ۹ تیر مجلس شورای اسلامی طی یک جلسه به میرحسین موسوی برای سمت نخست وزیری یک بار دیگر رای اعتماد داد. هما نظر که وی پیش بینی کرده بود هیچگونه زلزله ای رخ نداد و بدین ترتیب بدون هیچگونه درگیری و جنجال، خلاف آنچه در دور قبل اتفاق افتاد، میرحسین موسوی برای یک دور دیگر نخست وزیر رژیم جمهوری اسلامی اعلام شد. از مجموع ۲۱۷ نماینده حاضر ۲۵۴ نفر به نخست وزیری وی رای موافق ۸ نفر رای مخالف و ۵ نفر رای ممتنع دادند. علاوه بر این تعداد گفتنی است که ۱۵ نفر از نمایندگان که ملاحظیت آنها تأیید شده بود در مجلس حضور نداشتند. در یک نگاه ساده می توان دریافت که طرفداران خمینی که همانا حمایت کنندگان موسوی در دور قبلی زمان مداخله ریش بودند، از اکثریتی تقریباً مطلق در مجلس برخوردارند چرا که در دور قبلی از ۲۴۳ نماینده، تنها ۱۶۲ نفر به وی رای اعتماد داده بودند و ۷۳ نفر مخالف و ۲۸ نفر ممتنع در مجلس وجود داشت. شاید بر تکیه بر این وزنه بود که اینبار مجلس حتی منتظر نماینده رئیس جمهور یعنی یکی از سردمداران مخالفین موسوی در دور قبلی، وی را به عنوان کاندید به مجلس معرفی کند. جریسان خیلی ساده تر از آن رخ داد که نکرش میرفت؛ روز هفتم تیرماه نخست وزیر شفا به مجلس نامه ای نوشته تقاضای رای اعتماد می کند، روز نهم تیرماه وی در مجلس حضور یافت و بعد از یک سخنرانی کوتاه پیرامون برنامه های دولت نخست وزیری خویش را مجدداً تثبیت کرد.

موسوی چند روز قبل تر از آن نیز طی مصاحبه ای اعلام کرده بود که شفا به مجلس جهت رای اعتماد نامه خواهد نوشت، و در این مصاحبه هیچ اشاره ای به اینکه رئیس جمهور نخست وزیر را به کاندید به معرفی خواهد کرد نداشت وی حتی گفت که "تصور و قسوع زلزله در کاندید به دوره از نظر راست" او در مورد دولت آینده گفت که: دولت آینده "در معرفی برنامها به مجلس تکیه خواهد داشت تا بیخ و خمها و مشکلات اداری رفع شود و مجلس نیز با یداختیارات وسیعتری به دولت بدهد تا در همه موارد دنیا زما جمع به مجلس نداشت به شود دستگاه اجرا می برای تغییر و تحول در داخل خود اختیارات وسیعتری داشته باشد و خود را با فرا زونشیبها منطبق کند...".

مرگ کارگران به علت عدم وجود وسایل ایمنی

در جمهوری اسلامی خطر مرگ تنها شامل کسانی که در جبهه ها هستند و یا افرادی که بمب بر سرشان می بارد، نمی شود. جمهوری مرگ آفرین خمینی همواره با کارگران و بنیستی می برد چه آنها نکه مستقیم

UN کراچی تنبیه می کند!

چهار ماهه مهف طولانی از پناهندگان ایرانی در زیر آفتاب سوزان کراچی در مقابل بانسک "گرندلیز" منتظر دریا فت کمک هزینه خود بودند که رفتارنا شایست، توهین آمیز و فاشا رما مورین بانکا اعتراضاتی از جانب آنان را برانگیخت که بپانهای شدید برای توقف پرداخت مقرری چند روز پس از آن UN کراچی اطلاعیه ای صادر کرده و پناهندگان را تهدید به تنبیه کرد. آنها با قطع مقرری سه تن از پناهندگان، دیگران را مورد خطاب قرار داد و تهدید کرده اند که در صورت رفتارنا شایست! مقرری آنها نیز قطع خواهد شد و در مجموع رفتار هر کدام از پناهندگان روی کلیه پناهندگان تا شریخواهد گذشت!

آلمان فدرال:

خودکشی

دوپناهنده جوان ایرانی

روزجمعه مورخ ۸۸/۷/۱ دوتن از پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم شهر هرنسبورگ آلمان غربی، در اعتراض به وضع بلاتکلیف دادگاهها، شرایط بد محل زندگی و بی ازیک مشا جره لفظی با مسئولین منطقه با استفاده از قرص های خواب آورده دست به خودکشی زدند که خوشبختانه به علت اطلاع سایر پناهندگان تا فرجامانند.

این برای چندمین بار است که ما اخبار تاسف باری از خودکشی پناهندگان بخصوص در جنوب آلمان می شنویم. شرایط طاقت فرسا و فشارهای روحی که مقامات محلی بر پناهندگان می آورند کنون باعث اعتراضات گسترده ای از طرف پناهندگان شده است. مهمترین مسائله پناهندگان که همچنان، علیرغم این اعتراضات بلاتغییر مانده، بلاتکلیفی طولانی و جواب منفی دادگاهها است که پناهندگان بخصوص جوانان را از لحاظ روحی در شرایط سختی قرار میدهد. دولت آلمان، بی اعتنا به این اعتراضات و برای تسهیل معامله با رژیم جنایتکار اسلامی همچنان بر تشدید این محدودیت ها با فشاری می کند و شرایطی فراهم می آورد که جوانان پناهنده ایرانی، با تمام عشق و آرزوئی که به زندگی دارند و به آیین خاطر از جهنم خمینی قرار کرده اند، این چنین دلخراش مجبور به نابودی خود شوند. ما ایست سیاست های دولت آلمان را محکوم می کنیم و خواهان رسیدگی به وضعیت کلیه پناهندگان هستیم.

اعتصاب غذا

در اعتراض به حکم خراج

سودالا - سوئد:

روز ۸۸/۶/۹ عده ای از پناهندگان ایرانی به حمایت از یک مادر و فرزندانش که بخاطر دریافت حکم خراج دست به اعتصاب غذا زده بودند

برخاستند و اقدام به تحصن و اعتصاب غذا کردند. این حرکت اعتراضی از طرف عده دیگری از افراد و ساکنانهای ایرانی مبارز منجمله رفقای ما مورد پشتیبانی قرار گرفت.

تظاهرات

علیه تروریسم جمهوری اسلامی

لوند - سوئد

بدموت کانون فرهنگی ایرانیان در لوند و همکاران چندین کانون و انجمن اطراف لوند و مالمووا ایرانیان مبارز و مترقی در استان اشکونه در تاریخ ۸۸/۶/۱۱ تظاهراتی در اعتراض به حمله ای چاقو داران جمهوری اسلامی به ایرانیان در استکهلم و برای حمایت از نیروهای مترقی و پناهندگان ایرانی برگزار گردید.

راهپیمایان که در حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر بودند، شعارهای "مرگ تروریسم تروریست پرور خمینی"، "تروریست های جمهوری اسلامی را بیرون کنید"، "رژیم تروریست خمینی با یکوت با یوگرند"، "مرگ بر خمینی، پناهندگان اتحاداتحاد را فریاد می زنند، در طول راه پیمایی صدها اعلامیه افشاگر علیه تروریسم و جنگ و برای اتحاد عمل نیروهای انقلابی در مقابل پناهندهای جمهوری اسلامی پخش شد.

حمله فاشیستها

به آقا متگا پناهندگان

شب دوشنبه (مورخه ۸۸/۷/۱۰) ۱۵ تا ۱۵ نفر از فاشیست های شهرک "گوندلینگن" در حواله ای شهر "نرایبورگ" با تفنگهای شکاری، دیلم و سنگ به اردوگاه پناهندگان در نزدیکی این شهر حمله ور شدند. آنان ضمن ضرب و شتم پناهندگان، خسارات زیادی به اردوگاه پناهندگان وارد ساختند و وحشیگری های فاشیست های سبب گردید تا یک زن ۸۲ ساله ساکن این اردوگاه پناهندگان دچار سکت قلبی شود که در حال حاضر نیز حال وی وخیم است. پناهندگان ساکن این اردوگاه از ملیت های لهستانی، هندی و لبنانی هستند. پلیس ۶ تن از حمله کنندگان به اردوگاه را دستگیر نمود که تا کنون ۳ نفر آنان آزاد شده اند!

خراج یک پناهنده غنائی

ماین - آلمان فدرال

یک دانشجوی اهل غنا بنام تیکی (Ticky) اول ماه ژوئن که برای دریافت مستماری ماهانه خود به آلمان موراجتماعی مراجعه کرده بود، بلافاصله توسط پلیس دستگیر و پس از دو روز بازداشت به کشور غنا برگردانده شد. تقاضای پناهندگی وی از طرف "زیرندورف" مرکز دادگاههای پناهندگی رد شده بود و چند روز قبل از خراج اخطار رسیده مبنی بر ترک آلمان فدرال دریافت کرده بود.

آلمان فدرال

هجوم پلیس

به آقا متگا پناهندگان

نامهای زیر که گوشه ای از فشارهای روحی و جسمی که به پناهندگان در این کشور اعمال میشود افشا می کند توسط یکی از پناهندگان این خوابگاه برای ما فرستاده شده است. ما با درج این نامه با دیگر افکار مترقی و بشردوست را برای حمایت از حقوق انسانی متقاضیان پناهندگی در کشورهای اروپای مورد خطاب قرار میدهم و از خود پناهندگان می خواهم که با متشکل شدن به مقاومت و مقابله با این حرکات غیر انسانی برخیزند.

در تاریخ ۸۸/۵/۲۰ ساعت ۹ شب حداقل ۱۵۰ پلیس به همراه ۱۰ سگ تربیت شده و مجهز به تمام وسائل سرکوب و مسلسل به خوابگاه پناهندگان مقیم شهر وایدن واقع در شمال شرقی استان بایرن حمله ور شدند. تعداد پلیس ۱/۵ برابر تعداد پناهندگان بود. آنها دور تا دور خوابگاه را محاصره کرده، دم درها را قفل پلیس را مستقر نمودند و با خشونت بیجا به همراه سگها به تفتیش اطرافها پرداختند. در طی بازرسی اطرافها که ۴ ساعت به درازا کشید، نتنها تمام وسائل انگلیز و فروری پناهندگان مجرد و خانوادها را به هم ریختند و شکستند، بلکه اجاز خروج از اطرافها را برای رفتن به توالت و آوردن غذا و آب برای بچه ها را که از گرسنگی و تشنگی مدام گریه و زاری میکردند، ندادند.

قتل و تیر خمی پلیس به حدی بود که اعتراض همایگان آلمان را برانگیخت. آنها بدون توجه به تهدید و ضرب و شتم پناهندگان معترض پرداخته و یک جوان ایرانی را از صورت و چند جای دیگر بدن ضروب ساختند. تعدادی را نیز دستگیر نمودند که با فشار ریگیا رچه پناهندگان و آلمانی های همسایه آزا کردند. آنها که قمدی جز آزار و اذیت پناهندگان و ایجا جهنم مضاف در خوابگاه را ندادند، برای توجیه اعمال فاشیستی خود سبزیجات خشک شده، لیمو ماننی و ادویجات تبارانها و ملیت های دیگر را بعنوان مواد مخدر آبه بنامها بردند که چند روز پس از توضیحات و مراجعات مکرر پناهندگان و دخالت آلمانی های مترقی آنها را پس دادند. خرملمه پلیس به سرعت در شهر پیچید و آنجا رزیا دی را برانگیخت. طوری که روزنامه های شهر با فرستادن خبرنگاران به خوابگاه و صحبت با پناهندگان زیر فشار افکار عمومی به درج گوشه های از صحبتها پرداختند.

● لهستان

میخائیل گورباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در یک سخنرانی در پل لهستان پیشنها نمود که همه رهبران اروپائی در یک دیدار به منظور مذاکره در مورد کاهش نیروهای نظامی در اروپا گرد هم آیند. وی پیشنها نمود که نیروهای مسلح دو پیمان و ورشو تا توکا هش یا فته و به ۵۰۰۰۰ نفر تقلیل یابند. وی همچنین از رهبران ناتسو

● مسکو

کنفرانس نوزدهم حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از چهار روز بررسی پیشرفت رفرمهای جاری در شوروی به کار خود ادامه داد. تشکیل این کنفرانس در میان شوروی و دخالت نسبتا فعال مردم شوروی و شرکت وسیع آنها در مباحثات مربوط به تظاهرات دهگانه صورت گرفت. کنفرانس در طی کار خود به بررسی پیشرفت ها و نقائص کار پرداخت و مسئولین آنها را مورد انتقاد قرار داد. این کنفرانس طرح کمیته مرکزی را در مورد گسترش دادن شوروی

● آفریقای جنوبی

وزیر دادگستری رژیم نژادپرست و تبعیضکار آفریقای جنوبی اعلام نمود که پرونده شش شارب ویلی که به "جرم" تماشای قتل یک مزدور سیاه توسط توده های خشمگین به مرگ محکوم شده اند، مجددا



مورد بررسی قضائی قرار خواهد گرفت. عقب نشینی دولت تبعیضکار آپارتاید که تا کنون به کرات جنایات مشابهی را مرتکب شده است تحت فشار افکار عمومی جهان صورت گرفته است.



پیام کارگر همکاری کنید
و برای آن بنویسید!

خواست که پیشنها داد تا پیمان ورشو در مورد کاهش نیروهای نظامی طرفین را مطالعه کرده و پاسخ دهند. گورباچف همچنین بطور مشخص پیشنها نمود که آمریکا از استقرار ۷۲ جنگنده اف-۱۶ در ایالتیایا خودداری کرده و پیمان ورشو نیز متقابلا نیویورک مشابهی را از نیروهای هوائی خودکاهش دهد.

های نمایندگان خلق و شوراهای ملیت ها به ۲۲۵ نفر نماینده و ایچا دیک شورای عالی اتحاد شوروی که رئیس جمهور را بعنوان عالیترین مقام اجرائی کشور، انتخاب می کند و خود عالیترین مرکز تصمیم گیری است، پذیرفت. کنفرانس در بررسی انتقالی خود از پیشرفت سیاست نوسازی در همه زمینه ها، حلقه ملی را با زمازی ساخت سیاسی جامعه شوروی دانست.

اعتراضات دانشجویی

در برلین غربی

اخیرا بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپائی قرار داد تازه ای به امضاء رسیده است. این قرار داد که به Binnenmarkt معروف است، برای تنظیم هر چه بیشتر مبادلات بازرگانی، روابط پولی و کاری کشورهای عضو امضاء رسیده و تا شیرات معین جدیدی را بر روی شرایط زیستی کارگران و وضعیت تحصیلی دانشجویان خواهد گذاشت. از جمله تحت تاثیر این قرار داد دانشجویان فارغ التحصیل مدارس عالی در آلمان از سال ۹۲ به بعد، مدرک تحصیلی پائین تری را نسبت به سالهای قبل بدست خواهند آورد و برای بدست آوردن محل کار مشابه مجبور به انجام ۴ سال کارآموزی خواهند بود. اگرچه در حال حاضر نیز آنان ۵۰۰ مایرگ کمتر از فارغ التحصیلان رشته مشابه امضاء نشکاهی دریافت می کنند. از آنجا که تعدادی در حدود ۷۰۰ و احد مدرسه عالی در آلمان وجود دارد و دانشجویان آنها از ۵۰۰ نفر الی ۷۰۰ نفر است، قشرویی از دانشجویان که فرزندان طبقات زحمتکش و نادر هستند از این قرار داد دودم خواهند دید. به این دلیل دانشجویان توسط نمایندگان خود دعوت شدند که در روزهای ۱۸ و ۱۹ ماه مه کلاسهای درسی را تحریم کرده و در جلساتی بحث و گفتگو مخالفت خود را با این قرار داد برانگیزند. این دعوت از سوی دانشجویان مورد استقبال قرار گرفته و در روز ۱۹ ماه مه آکسیون اعتراضی در مقابل اداره فرهنگ برلین غربی برگزار گردید که در آن حدود ۱۰۰۰ نفر شرکت کردند. خواستهای دانشجویان از این قرار بود: ۱- افزایش تعداد درسمها به ۸ یا ۹ برای برابری با مدرک دانشگاه ۲- لغو شرایط Binnemarkt برای آموزش عالی ۳- تأیید مدارک مدارس عالی و دانشگاههای فنی برابر با مدارک دانشگاهها سطح بازار مشترک.

آلمان فدرال:

قاتل پناهنده ایرانی

به ۱۸ ماه حبس تعلیقی

محکوم شد!

قاضی "رولف دیبون" روز پنجشنبه ۸۸/۶/۲۹ قاتل کیومرث جوادی را به همراه همدستش به ۱۸ ماه حبس تعلیقی محکوم کرد. این قاضی قاتل کیومرث جوادی را که بطرز وحشتناکی بدست کارمند فرستگاه مواد غذایی "فان کوخ" در شهر گوتینگن خفه شد را قتل غیر عمد، اعلام نمود و او را میدوای نمود که قاتل و همکارش در این مدت ۱۸ ماه با نشان دادن حسن اخلاق خود، حتی یک روز را هم در حبس نمانند! این حکم در واقع تا شیدا آزادی قاتل و همدستش میباید که تا کنون نیز آزادانه بکار خود مشغول بودند. قاضی "رولف دیبون" با صدور این حکم در واقع سعی می نماید واقعی پیدا دگانهایی را که در سر آلمان غربی حقوق پناهندگان را در عرصه های گوناگون زندگیشان پایمال می کنند، نشان داد. این قاضی که یکی از فراوان قاضیانی است که از اعمال هیچ نوع خصومتی با خارجیانی در پیغمی روزند در ماه گذشته یک جوان ترک را که با دوستانش قصد داشت پول های موجود در صندوق یک سوپرمارکت را بر بیا بید به ۳ سال حبس محکوم نمود اما قاتل کیومرث جوادی را به جرم اینکه "تعدادی در نوزدهم ماه آگوست سال قبل نزدیک به ۵۵ مارک مواد غذایی را از فروشگاه مخفیانه خارج کند" و به همین خاطر بطرز وحشتناکی به قتل رسید را به ۱۸ ماه حبس، ۲۰ ماه تعلیقی محکوم کرد.

آلمان فدرال:

فشار بر پناهندگان

شدت بیشتری می یابد!

اخیرا دولت آلمان غربی به ۲۷ هزار متقاضی پناهندگی سیاسی "تا میل" اعلام نموده است که با دریافت ۳۰۰ مارک پول و نیز پول بلیط برگشت به سریلانکا، سرزمین آلمان غربی را ترک کنند. در همین رابطه وزیر کشور دست راستی دولت آلمان، "سیمرن" اعلام نمود که در غیر این صورت متقاضیان پناهندگی سریلانکا با لاجبا به کشورشان فرستاده خواهند شد. سیمرن وزیر کشور دولت آلمان غربی اعلام نمود "درحالی که با شروط گفته شده متقاضیان پناهندگی سریلانکا شای آلمان غربی را ترک کنند این امر برای دولت آلمان غربی ۲۰ میلیون مارک خرج در برخواهد داشت درحالی که اگر آنان در آلمان غربی بمانند تا روشن شدن تکلیفشان ۲۰۰ میلیون مارک هزینه برای دولت آلمان غربی ببار خواهد آورد!"



"فرزندان" فرا موش شده خدا

برای هزاران جوان ایرانی، آستان نیبول ایستگاه بهین راه فرار است. آنها به آستان نیبول قاچاق می‌شوند. همچنانکه از آستان نیبول نیز اراجاع داده می‌شوند. تنها تعداد اندکی از آنها به آلمان و با آمریکا می‌رسند.

برگرفته از مجله اشترن به تاریخ

۸۸/۲/۱۲

برای حمید تنها دودسته انسان وجود دارد. آنها بی که با سپورت دارند و آنها بی که ندارند. حمید جزو انسانهای بدون پاسپورت است. حمید ۱۶ ساله، شش ماه قبل از ایران به ترکیه فرار کرده است. قاچاقچیان انسان با دریافت مبلغ ۱۰۰۰ دلار او را از مرزی که بوسیله پاسداران به شدت محافظت می‌شود، عبور داده اند. حمید با ۶۰۰ دلار در جیب به آستان نیبول رسیده است. خانواده اش تمام موجودی خود را به او داده اند، او میدوایر بوده است که با این مبلغ بتواند یک پاسپورت و همچنین ویزای مسافرت به کانادا، جایی که برادرش یکسال قبل به آنجا فرار کرده است را دریافت کند.

امروز حمید دیگر دلاری ندارد. ما او را در رستوران ایرانی در نزدیکی دانشگاه استانبول ملاقات می‌کنیم. فضا را بوی شوید، زعفران و بربنج تازه انباشته است. دیوارها بوسیله گاذرنگی و بادکنک های قرمز و زرد آذین شده اند. دکور برای آغاز سال نو ایرانها که در ۲۱ مارس برگزار می‌شود، در پشت یک ارگ مردی نشسته و آوازهای قدیمی غمگینی را می‌خواند. زمانی که او می‌نهد که ما از آلمان آمده ایم، صدا می‌زند: "من هم می‌خواهم به کشور شما بیایم. مرا با خود ببرید. فرا موش نکند."

حمید در گوشه ای بر سرمیزی نشسته و بقیه کتف را تا روی چانه اش بالا کشیده است. او می‌گوید: "اینجا تنها فراریان هستند و همه هم می‌خواهند که از ترکیه بروند. اینجا ونچوا می‌کند: "تاما مسی مشتریان، صندوقدار، پیشخدمت و حتی آشپز." پس از هر جلسه با نگاهی نامطمئن و وحشت زده به ما می‌نگرد. والدینش به او پند داده اند که به هیچکس اعتماد نکند. ما او را چارزده است که در آستان نیبول به کسی اعتماد نکند. "من به یک قاچاقچی ۵۰۰ دلار دادم. این مقدار قیمت مرسوم او را ق مسافرت به کانادا است. ما چهار روز بعد در یک آژانس مسافرتی با یکدیگر قرار ملاقات داشتیم. او می‌خواست که در آنجا به من پاسپورت و ویزا بدهد. دو هفته تمام حمید هر روز ما بوس به محل قرار گرفته است و از

آن به بعد همیشه در منطقه ایرانی نشین ترکیه، "اکسرای" در جستجوی آن مرد پولش پرسی می‌زند. مدتها کودک ایرانی ۱۲ تا ۱۶ ساله در حال فرار، تنها در آستان نیبول زندگی می‌کنند و موقعیت آنان چشم انداز روشنی ندارد. آنان راه با زکشت نیز ندارند، چرا که ایران آنها را به جبهه اعزام خواهد نمود. آنها را هم پیش رو نیز ندارند، چرا که هیچ کشوری حاضر به پذیرش آنان نیست. آنها متواری شده اند تا در "جنگ مقدس" علیه عراق به زمینهای مین گذاری شده فرستاده نشوند. "پاسداران به نزد والدینم رفته و گفته اند که من باید به جبهه بروم. اما من نمی‌خواهم بروم. من از جنگ وحشت دارم."

او حالا از هر روز تا زهای در آستان نیبول وحشت



دارد. همه جا با پلیس های سبزپوشی مواجه می‌شود که ممکن است از او و او را ق هویتش را بخوانند، "من لازم است که به آنها نیز دلار بدهم، ولی من که دیگر دلاری ندارم. به همین جهت آنها می‌توانند مرا دستگیر نموده و رجعت دهند."

دنیا ای حمید کوچک شده است. یک اتاق ده متری در هتل که آن را با دو جوان فراری دیگر اجاره کرده است و یک اتاق ویدئو در زیر زمین هتل. در آنجا آنها محروم از همه چیز تا مگا عبوروی میلی چرمی می‌نشینند.

بنا به تخمین کنسول آلمان، بیش از ۲۵۰۰۰ ایرانی فراری در آستان نیبول زندگی می‌کنند.

تاما می آنها رقبای بالا برنده قیمت پاسپورت های جعلی هستند که امکان ادا مسافرت آنها به آلمان و یا آمریکا را ممکن می‌نماید. در کوجه های باریک آکسرای خانه های متروکی به عنوان هتل اختصاصی داده شده اند و در تمام آنها ایرانی ها زندگی می‌کنند. بر سر در تمام فروشگاه های مواد غذایی و آژانس های مسافرتی تا بلوهای سی با خط فارسی نیز آویزان شده است.

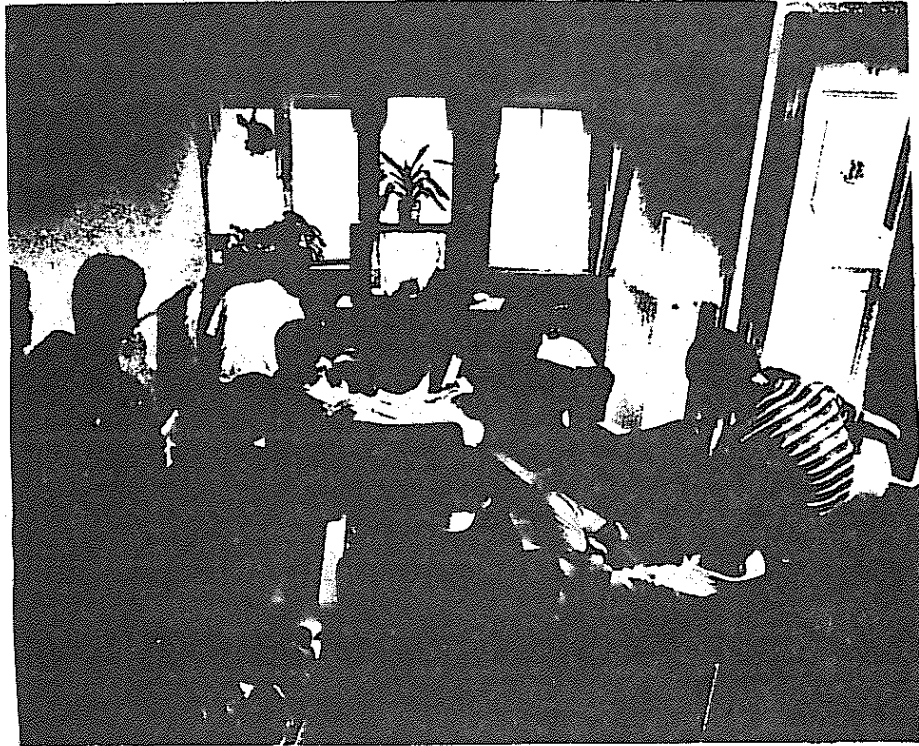
موضوع صحبت های خیابانی و یا در رستوران ها تنها حول دو محور دور می‌زند: پول و پاسپورت. شایعات پراکنده ای برای یافتن امیدی، تسای

گذران روزها را ساده تر گردانند. امروز صحبت از کوستا ریکا و یا پانا ما است که گویا پناهنده مسی - پذیرد و هفته های بعد در مورد آلمان و یا اسپانیا. در آستان نیبول امید چندانی یافت نمی‌شود و هر چه که احتیاج بیشتری می‌گردد، با زار عبور دادن قاچاق نیز رونق بیشتری می‌یابد. یک پاسپورت به همراه ویزای آلمان ۲۵۰۰ دلار خرید و فروش می‌شود. نرخ سوئیس ۳۵۰۰ دلار است، چرا که برای ایرانیان نقل شده است که در آنجا برای پناهندگان نیبول بیشتر، خانه بزرگتر و نوع پاسپورت بهتری است. اختماس داده شده است. از قبیل این متواریان تنها قاچاقچیان ترک و ایرانی سود نمی‌برند، بلکه ادارات نیز در این منبع کسب درآمد سهیم می‌باشند. یک جا غل با سپورت تنها یک سوم پولی را که از فراری دریافت می‌کند، برای خود نگه می‌دارد و بقیه در رثه دادن به پلیس، کنترل کننده پاسپورت و ما مورگمرک فروگدا ه آتاتسورک در آستان نیبول به مصرف می‌رسد. پلیس ترکیه همچنین با غافلگیر کردن هتل داران کوچک آکسرای در آمد خود را این زمینه ارتقاء می‌بخشد. آنها به سالن هتل می‌روند و هتل داران را تهدید به زرمی هتل می‌کنند و در اکثر موارد دلارها از قبیل در قسمت اطلاعات هتل آماده شده است. پولها بی که به مصرف رثه دادن می‌رسند، از قبیل به کرایه اتاق افزوده شده اند.

رها ن ۱۵ ساله تهرانی همیشه یک اسکنا س ۱۰ دلاری در جیب دارد. "این برگ هویت من در کنترل احتمال است." او از سه ماه پیش در آستان نیبول زندگی می‌کند. قاچاقچی به والدین او قبول داده بود که او را در ظرف ۳ روزه آستان نیبول برساند. آنها با یک اتومبیل تا نزدیکی مرز آمده اند و آن پس راه بیما شی ۱۸ روزه رها ن آغا زنده است. "در یک دهه ایرانی قاچاقچیان برای ما اسب تهیه کردند و ما سه روزه از گردستان با اسب عبور نمودیم. هوا سرد و همه جا پوشیده از برف بود و ما گرسنه بودیم. زمانی که سرانجام به ترکیه رسیدیم، می‌بایست خود را در دهی از دید پلیس مخفی می‌ماختم. اما مسی اهالی ده از راه قاچاق انسان زندگی می‌کردند. دو روز بعد ما را شبا به بوسیله یک کامیون بردند. من به همراه چند جوان دیگر در قسمت بار ایمن کامیون نشسته بودیم. کامیون به شدت تنگ بود و هیچکدامان نمی‌توانستیم که چه مدت در راه بوده ایم. در این مدت تنها دو بار کامیون توقف نمود و از داخل سوراخی برای ما نان سفید به داخل انداخته شد."

رها ن با جوانان دیگری که در آستان نیبول هستند تفاوت دارد. او و همسر او می‌توانند و بدون ترس صحبت می‌کنند. او می‌تواند بخندد و میسوار است. پدر او چهار ماه پیش توانسته است به آلمان گریخته و تقاضای پناهنده گی نماید. بزودی او نیز خواهد توانست به محل پدرش مسافرت کند.

اطلاعات او در مورد آلمان به اینک: "در آنجا



می‌شوند. بدلیل محدودیت شدیدجا درخواه‌بگانه‌های دستجمعی (Heim) ایالت هسن، این کودکان از ژانویه سال در ایالات دیگری استقرار می‌یابند.

نا صروعباس از یکسال پیش درخواه‌بگانه دستجمعی واقع در شمال ایالت اسن زندگی می‌کنند. نامر می‌گوید: "اینجا حال من خوب است." و عباس سکوت می‌کند. هر دو بر روی گانا پهای در اتاق جمعی نشسته‌اند. عباس با بی‌اعتمادی به ما نگاه می‌کند. نامر خوب آلمانی صحبت می‌کند. او تکسار می‌کند: "بله اینجا خوب است" انگار که بیشتر قصد مطمئن ساختن خود را دارد. "من به مدرسه می‌روم و بعدا زظهرها با هم آلمانی یاد می‌گیرم، من می‌خواهم پزشک شوم." آلمان کشور خوبی است و این را پدرش در حین خدا حافظی با او مطرح نموده است. ترس آنها را رها نمی‌کند. در ایران خانوادها آنها بدلیل خراج نمودن فرزندان نشان تحسنت تعقیب قرارخواهند گرفت. طبق یک بخشنامه جدید، ادارات مسئول می‌توانند برادران، خواهران و پسا والدین را دستگیر نموده و تا زمان بازگشت طفل خارج شده، در زندان نگاه دارند.

حتی در آلمان نیز این کودکان در آلمان نیستند. دو ماه پیش عباس مکالمه تلفنی داشته است. به‌او گفته‌اند که او را دستگیر و به‌خانه‌اش خواهند فرستاد. او پس از شنیدن این جملات گواشی را بر جایش گذاشته است. بدلیل اینگونه تهدیدات وزیر امور اجتماعی، به‌خواه‌بگانه‌ها اعلام نموده است که از خروج جوانان با آشنایان ایرانی آنها جلوگیری نمایند.

اداره جوانان (Jugendamt) در فرا نکفورت می‌گوید: "ما به مرز جدا کثرت فریت خود رسیده‌ایم، ما بنظر نمی‌رسد که آنها بی در چشم نماند وجود دارد." بلکه گامی ملا برعکس با شدت گیری جنگ شهرها، بین ایران و عراق میزان کودکان فراری افزایش نیز یافته است. در سال ۱۹۸۲ این تعداد ۴۸۰ نفر بود. در حالیکه این میزان تنها در سه ماهه اول سال جاری، بیش از ۲۵۰ کودک بوده است. هیچیک از این کودکان ارجاع داده نخواهند شد، اما امکان شناسایی آنها به عنوان پناهنده نیز مشکل بنظر



میرسد، چرا که امتناع از خدمت سربازی بعنوان دلیلی برای پناهنده‌گی به رسمیت شناخته نمی‌شود و کودکان ۱۲ ساله نیز بسیار مشکل می‌توانند اثبات نما بیند که در کشور خود به عنوان فعال سیاسی تحت پیگرد قرار داده شده‌اند. این کودکان پس از مباحثه کوتاهی در قسمت کنترل فرودگاه فرا نکفورت بیوسپله ما موزان به‌اداره جوانان تحویل داده

مردس وجود دارد و انسانها مهربان هستند. خلاصه می‌شود.

در تاریخ ۲۶ ژانویه سال جاری (Arbeiterwohlfahrt) سازمان خیریه خارجی که حمایت SPD کار می‌کند واقع در فرا نکفورت - که از طریق فرودگاه آن بسیاری از کودکان مناطق جنگی وارد آلمان می‌شوند - درخواستی مبنی بر پذیرفته شدن رها شده‌ها به عنوان پناهنده‌ها نشانی، تسلیم وزارت کشور آلمان نمود و این تنها شانسی رها شده‌ها برای ورود قانونی به آلمان بود. در تاریخ ۸ فوریه وزارت کشور درین

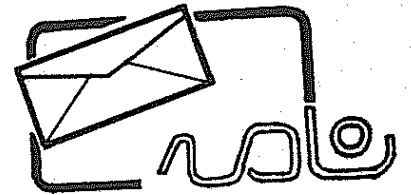
بدون اعلام دلایلی، این درخواست را رد نمود. "با توجه به رقم بالایی پناهنده‌گان موجود که ما بر طبق حق پناهنده‌گی تصریح شده در قانون موظف به پذیرفتن آنها شده‌ایم، در موقعیتی قرار گرفتیم که به هیچوجه توان پذیرش پناهنده‌گان را کسبه زندگی آنها در معرض خطر جدی قرار نگرفته است، ندریم، رژیم ترکیه اظهار داشته است که هیچ ایرانی پناهنده‌ای به کشورش پس فرستاده نخواهد شد و ما دلایلی مبنی بر عدم صحت این گفته، در دست نداریم." توضیح مذکور از جانب وزارت کشور آلمان اظهار شده است.

آقای وزیر کشور می‌بایستی اطلاعات بیشتری داشته باشد. از جمله اینکه در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶ وی نام سفارشی از طرف وزارت امور خارجه دریافت کرده است: "ترکیه در طی ماههای اخیر مرتباً افرادی را به ایران ارجاع نموده است. او اعلام کرده است که در صورت افزایش موج فراریان ایرانی، تعداد بیشتری ارجاع داده خواهد شد."

در حال حاضر بر طبق اسناد آلمانی آلمان، نزدیک به ۱۰۰۰ نوجوان بدون سرپرست در آلمان زندگی می‌کنند. اکثر این نوجوانان، ایرانی هستند. اما کودکان لبنانی و ایرانه‌ای نیز که بدلیل جنگ داخلی، از کشورشان متواری شده‌اند نیز بخشا در بین این کودکان می‌باشند.

ماتیس من (Matthias Mann) مسئول

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!



ر. شادمان - زاگرب - یوگسلاوی

● با تشکر فراوان بخواطرطرحهای زیبایشی که برایمان فرستاده‌ای و پیشنهادهکاری صمیمانه - ای که مطرح کرده‌ای ، ما یکی ازطرحهای شما را به عنوان آرم صفحه پاسخ به نامها از همین شماره مود استفاده قرا می دهیم و درانتظارکارهای دیگرشما هستیم .

ر. رضا پادارمشتات - آلمان غربی

● گزارش شما درموردوقایع دوران بمباران شهرها را درپایفت کردیم ، از زحمات و همت شما قدردانی می کنیم ، بعلمت آنکه درحال حاضر درج آنها بخواطر گذشت زمان مقدور نیست متاسفیم ، امیدواریم همکاری خود را با نشریه فشرده تر و پر بارترکنید .

اطلاعیه :

رفقا و دوستان مهاجر

حوادث و رویدادهای ماههای اخیرکشورمان نشان میدهندنا رضایتمندی تودهها ازادامه جنگ و شرایط سخت و طاقت فرسای سیاسی و اقتصادی دراینجا و آنجا بصورت مبارزات آشکار و محرکات دستجمعی بروز می کند ، این اعتراضات ، تحت تاثیر شورشکشت های بی دریبی درجبههها و تعمیق اختلافات شوکشنکی های درونی جناحهای رژیم هرروزبا شدت بیشتر توسعه می یابد .

رژیم تلاش می کندحتی الامکان ازدرزایین اخبار و پخش آن درمیان مردم جلوگیری کند . روزنامه ها و وسائلا ارتباطی طاعت جمعی حکومتی در اینباره سکوت می کنند و با درموردی که بخواطر وسعت و اشکاس مبارزات نمی توانند سکوت کنند ، چیزمثله شده دست و پا شکسته ای تحویل مردم می دهند ، اغلب خبرهای اخیرا بطریق خود مردم و زبان به زبان پخش شده است .

بنا براین دراین شرایط ، رساندن اخبار مبارزات مردم و همچنین تحولات روحی آنها درای اهمیت زیادی است ، لذا ما ازهمه رفقا و دوستان و مهاجرین آزادبخواه می خواهیم تا درسرع وقت اخبار درپاینتی خود را از طریق شما ره نظرنوآدرین زیر به اطلاع ما برسانند .

تلفن : ۲۱۶۹۱۳ - ۳۰ - ۲۹

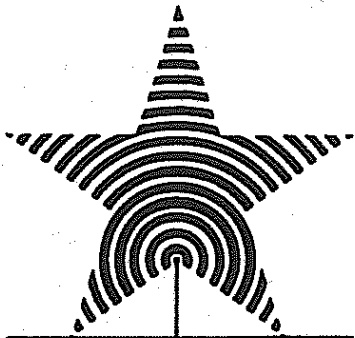
آدرس : Postfach 650226
1- Berlin 65
W. Germany

رفیق آشنا

● اشعارشما به دست ما رسید ، چندتا شی از آنها مثل "تصویر" با وزن نیمائی و یک شعرآزاد "انسان" و چندشعری که بین قطعه ادبی و بحرطویل نوسان دارند ، ساخته شده است ، درمجموعه خودنشان میدهد که شما ذهنیت شاعرانه دارید و تا حدودی به تکنیک کاربویژه به وزن عروضی آشنا شی دارید ، اما آنچه که به عنوان اشکال دراین اشعارهست عدم هماهنگی تکنیکی ، وزنی ، تصویری هرشعربطور مستقل است ، شایستگی ازعلل این اشکالات این باشد که شما همزمان از م ، میدوئا ملووبرخی شیاعران دیگر تا شیر گرفته اید که به لحاظ شکل و برداخت و حتی درپایفت شاعرانه اساسا با هم تفاوت دارند ، تا شیرپذیری اگر با اشرف کامل باشد و درپروسه ای آدم بتواند خودش به راه معینی برسد و یا لااقل از زبان یکدستی برخوردار شود و شروع کار آیرا داساسی ندارد ، مشروط به آنکه بتوان کلام آخررا پیدا کرد ، بهرحال امیدواریم ما همچنان ، مکاتبه کنید ، شعرتصویرشما را با چاپ آن دراین نشریه دراختیار خوانندگان خود می گذاریم ، موفق باشید .

● بدنبال درج اطلاعیه محکومیت اعدام گروهی از زندانیان سیاسی درپایم کارگرشماره ۲۲ ازسوی برخی ازخوانندگان سواتنی با این مضمون به دستمان رسید که چرا ما تنها از نوشیروان لطفی نام برده ایم ، چرا تعلق سازمانی اعدام شدگان مسکوت گذاشته شده و چرا دراین اطلاعیه با راست مرزبندی شده است ، قبیل ازپاسخ به این نامه ها بیدبرای آگاهی عموم اعلام کنیم که اینگونه موضع گیری های ما درچهارچوب دفاع ما از آزادیهای بی قید و شرط سیاسی صورت میگیرد و ما قاطعانه از حقوق و آزادی تمام زندانیان سیاسی در برابر فشارها و جنایت های رژیم اسلامی دفاع می کنیم ، بیدیهی است که این دفاع ، مستقل از وابستگی سیاسی و سازمانی زندانیان سیاسی است و صحت خود را نه از تعلق فکری قربانیان بلکه از این تحلیل کسب می کند که ما هیچیک از محاکم رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را به رسمیت نمی شناسیم .

اطلاعیه موردنظر با در نظر گرفتن چنین سیاستی انتشار یافته است ، و اصرار خاصی نداشته است که حتما نام سازمانهای این افراد ذکر کند ، اما اگر طرح این سوال بدین خاطر است که وابستگی سازمانی نوشیروان لطفی بعنوان یک نقطه ضعف می باید ذکر می شد ، پاسخ این است که اولاموضع ما نسبت به خط و ربط فرامیستی و خیانتکارانه این سازمان روشن است و مسکوت نهادن این قضیه نمی تواند توهمز با شدنا نیا درآن لحظه ، قصد محکوم کردن جلادان بوده است نه مرزبندی سازمانی ، چه بسا درجاشی مناسب ذکر این نکته جزوحتی ضروری باشد ، اما ما ، عدم ذکر نام ما برشهادت را به عنوان یک انتقاد می پذیریم و درهمین جانشام این دوشهید ، حاجت محمد پور و حجت الله معبودی را ذکر می کنیم .



صدای کارگر

راه پیمای سازمان کلنگران تکلیفی ایران در راه مبارزه

★ برنامصدای کارگر هرشب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرایربا ۴ مگا هرتز پخش می گردد .

★ این برنامه ساعت ۹ همان شب وساعت ۶ صبح روز بعد مجددا پخش می گردد .

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش می شود

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید ؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگرمعتوت نماشید !

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
650226
1-BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
-CEDEX 12
FRANCE

سخنرانی

فرا تکفورت (آلمان فدرال) :

در تاریخ ۸۸/۷/۸ از طرف رفقای حوزه این شهر جلسه سخنرانی تحت عنوان "انقلاب ایران و آلترنا تیوا" برگزار گردید ، پس از ایراد سخنرانی حاضران در جلسه پرسش های خود را مطرح نمودند که از طرف سخنران پاسخ داده شد .